

فهرست
نسخه های خطی فارسی
موجود در کتابخانه مؤسسه شرق شناسی
جمهوری چک و پراگ

دکتر مهدی شکوه آیدنی

فرهنگستان علوم جمهوری چک. مؤسسه شرق شناسی. کتابخانه.

Orientalni Ustar (Akademie ved Ceske republiky). Bibiootcka

فهرست نسخه های خطی فارسی موجود در کتابخانه مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک، پراگ/ مهدی مشکوة الدینی. _ قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۱۴۲۵ق. = ۲۰۰۴م. = ۱۳۸۳ش. ۱۹۲ ص.

ISBN 964-8179-27-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. نسخه های خطی فارسی -- چک (جمهوری) -- پراگ -- فهرستها. ۲. فرهنگستان علوم جمهوری چک. مؤسسه شرق شناسی. کتابخانه -- فهرستها.
الف. مشکوة الدینی، مهدی، ۱۳۲۰ش - ، گرد آورنده. ب. کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره). گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی. ج. عنوان

۰۱۱/۳۱

۸۳-۲۶۵۱۱

Z۶۶۲۱/ف۵۴۰۹

کتابخانه ملی ایران



فهرست نسخه های خطی فارسی

موجود در کتابخانه مؤسسه شرق شناسی جمهوری چک _ پراگ

مؤلف: دکتر مهدی مشکوة الدینی

ناشر: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

_ گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی _ قم _ ایران _

نوبت چاپ: اول؛ ۱۳۸۳ش/۱۴۲۵ق/۲۰۰۴م

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: ستاره _ قم

لیتوگرافی: تیزهوش

حروفچینی و صفحه آرایی: فرانشر

ISBN:964-8179-27-1

شابک: ۹۶۴-۸۱۷۹-۲۷-۱

AYATOLLAH MAR'ASHI NAJAFI ST., Qom 37157, I.R.IRAN

TEL: + 98 251 7741970-78; FAX +98 251 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E_mail: info@marashilibrary.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

من، نگارنده، در سالهای تحصیلی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ به مدت دو سال از جانب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جمهوری اسلامی ایران، به عنوان استاد مأمور و مهمان در دانشگاه چارلز پراگ به تدریس زبان فارسی اشتغال داشتم. در نخستین سال حضور در پراگ به عنوان بخشی از تلاشهای علمی خود در زمینه‌ی فرهنگ زبان فارسی، برای بررسی نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی پراگ به جستجو پرداختم. در کتابخانه‌ی یاد شده، نسخه‌های خطی فارسی در میان نسخه‌های خطی زبانهای عربی، ترکی، عبری و یونانی قرار دارد و به همین سبب، من مجبور شدم از میان همه‌ی آنها نسخه‌های خطی فارسی را بیابم. خوشبختانه، در طول نخستین سال اقامت در پراگ این کار را به انجام رساندم و نسخه‌های خطی فارسی را که تنها چهل و سه نسخه بود، یافتیم. سپس به بررسی و تدوین مشخصات آنها پرداختم. در فهرست مشخصات نسخه‌های خطی تدوین شده در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی پراگ، برخی نسخه‌های فارسی به عنوان نسخه‌ی خطی عربی و یا ترکی تعیین و ثبت شده بود؛ من این‌گونه اشتباهات را در فهرست یاد شده تصحیح کردم و در مشخصات درج شده در فهرست حاضر نیز آنها را نشان دادم.

در فهرست حاضر، مشخصات نویسنده یا شاعر، عنوان، موضوع، تاریخ کتابت، اندازه‌ی صفحات، چگونگی وضعیت موجود و نیز سطرهایی از آغاز و پایان کتاب را

مشخص و ارائه کردم و به علاوه، به این منظور که چگونگی نسخه‌ی خطی برای خواننده ملموس باشد، تصویرهای صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر کتاب را نیز به فهرست افزودم. در مورد برخی نسخه‌ها، برخی مشخصات از جمله نام نویسنده یا شاعر، عنوان کتاب و یا تاریخ کتابت نامعلوم بود؛ این‌گونه موارد را نیز در فهرست حاضر به عنوان «نامشخص» نشان دادم. در پاره‌ی متنهای ارائه شده، کوشش کردم تا رسم الخط هر نسخه تا حد امکان به صورت اصلی نشان داده شود.

اکنون که پس از سپری کردن دو سال مأموریت خود در دانشگاه چارلز پراگ به میهن اسلامی، ایران، بازگشته‌ام، در صدد برآدم تا مجموعه‌ی فهرست حاضر با عنوان «فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌ی مؤسسه‌ی شرق‌شناسی جمهوری چک، پراگ» را در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار دهم. خوشبختانه، پس از اعلام من، جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی، متولی و رئیس محترم کتابخانه‌ی بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، پذیرش و آمادگی آن کتابخانه را برای چاپ و انتشار فهرست حاضر به اطلاع بنده رساندند. من نیز پس از آماده کردن نهایی، اکنون آن را به حضور ایشان تقدیم می‌دارم؛ با این امید که پس از چاپ در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

از جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی نجفی به خاطر حسن نظرشان در قبول چاپ فهرست حاضر به توسط کتابخانه‌ی بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی بسیار سپاسگزاری می‌کنم. از همکاران ارجمند ایشان نیز به خاطر قبول زحمت چاپ فهرست حاضر قدردانی می‌نمایم.

از آقای محسن شریف خدایی رئیس وقت و آقای عباس نوروزی رایزن وقت نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پراگ، چک، به خاطر حسن نظرشان و نیز همکاری مؤثرشان با اینجانب برای تسهیل به انجام رساندن کار تهیه و تدوین فهرست حاضر بسیار سپاسگزارم و از آنان قدردانی می‌کنم.

از خانم مریم میرفندرسکی کارشناس گروه آموزشی جغرافیا و سرپرست امور دانشجویی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به خاطر

همکاری در رونویسی متن فهرست حاضر سپاسگزاری می‌کنم و همکاری ارزشمندش را
ارج می‌نهم.

همچنین از جناب آقای سید احمد طالب الحق به خاطر راهنمایی‌های ارزنده‌شان در
تعیین نوع خط نسخه‌های خطی مشخص شده در این فهرست بسیار سپاسگزارم.
امید است این خدمت ناچیز من در معرفی بخش بسیار اندکی از فرهنگ اصیل، والا
و گسترده‌ی زبان فارسی مورد عنایت و توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار گیرد.

مهدی مشکوة‌الدینی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

استاد مهمان پیشین دانشگاه چارلز پراگ، چک

آذر ماه ۱۳۸۲

مشخصات ثبت در کتابخانه (مؤسسه‌ی شرق‌شناسی، جمهوری چک، پراگ):

RII44 [تصحیح شد] Pers 440.043/35

نویسنده: حسین الکاشفی

عنوان کتاب: اخلاق محسنی

موضوع: اخلاق

تعداد صفحات: ۱۷۹ صفحه

اندازه صفحات: ۱۲×۱۹/۵

نوع خط: نستعلیق خوش

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت پادشاه علی الاطلاق عزّت کلمه و جلّت عظمته ...

پایان، از صفحه‌ی آخر: تاریخ هم‌نویس ز اخلاق محسنی ... تحریر این کتاب مستطاب تمام شد با امر و فرمان مکارم عنوان عالی نژاد شاهزاده محمد رشاد بن عبدالمجید خان همیشه به حصول مقصودش دل او شاد باد. به توفیق رب العباد نوشته این رساله به قلم الفقیر الحقیر المعرفّ بالعجز و التقصیر المحتاج الی عناية ربه القدير علی الشکری بن الشیخ مصطفی حلمی بن الشیخ علی بن ولی‌الدین غفر الله ذنوبهم و ستر الله عیوبهم و رحمهم الله تعالی مع الموحّدين سنه خمس و تسعين و مأتین و الف يوم التاسع فی شهر رجب المرجب من هجرة من له العز و الشرف.

تصویر صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

بررسی در تاریخ سی‌ام نوامبر ۲۰۰۱.

RI11 [اصلاح شد] Pers 1182/35

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: شیخ فریدالدین عطار

عنوان کتاب: منطق الطیر

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم

تعداد صفحات: ۴۴۶ صفحه؛ کامل است.

اندازه صفحات: ۱۸×۱۲

نوع خط: نستعلیق خوش

پایان: سطر آخر صفحه‌ی آخر کتاب: تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی دوشنبه ربیع

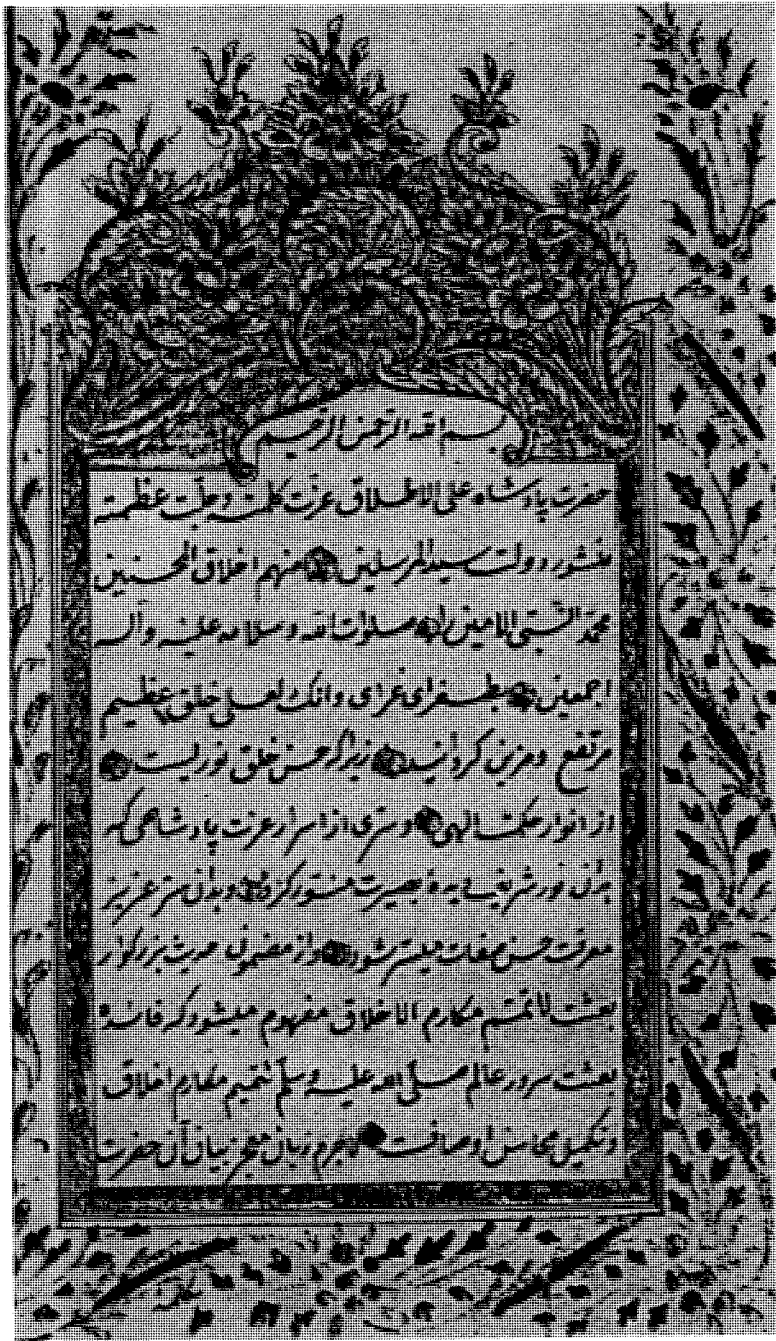
الآخر کتاب الحروف ابراهیم التماس دعا.

مهر: مویدالسلطان

توضیح: در بالای صفحه‌ی اول و آخر مهر گرد زده شده و داخل آن نوشته شده است:

تفتیش شد سنه ۱۳۱۴ وسط مهر: ت ب.

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و سه صفحه‌ی آخر.



بکس خلق با همه توانی نامشده تا انت علی گشت دانند
 که تحقیق این تحقیق اوست تا در اعتبار برین ابریه علیا از نیست
 متعنه و اول جیه که در بر این نیست سنجیده شود
 اعتقاد حق باشد بعد از آن اعمال حسن و در صورت
 آمده که برستی که مؤمن بواسطه خلق نکو در جاده پیاده
 در هر کس که راه قائم عیسی و سام الهی باشد و حکما
 گفتند خوی نیکو را محبت و شکر که هر دو بهای آن منهای
 سر منزل و شرف و مسرور نتوان رسید و هر چه بسوگند آن
 رخت از عاونه جیو نیست بدر الملك از نیت توان کشیده بیت
 هر که در ویرت نیکو بود و آری از او بیان او بود
 نیکی مردم نه نیکو رویت خوی نکو مباد نیکو بیت
 و اعتقاد ستوده و اوصاف پسندیده از همه ادیان
 نیکو و مستحق منتهای غرض از همه حق که حکم و حکم
 خلق بایست و بخت راه زعم است از بقیه اعتبار است
 باز آید که بخت عبادت بی غایت توفی الملك من نشاء

ادب افتخاری این بیگانه که زیاده ازین قدم بر بساط
 انبساط نهاده نشود • و بدعای دولت روز افزونی
 سمت اختتام یابد • بیت سخن نیز برج اختیار رفتن به
 طلیحتم ذکر این نامه را که وقت رعاست • مناجات
 خدایا تا فلک را سر بلندیت بزرگان از حکمت ارجمندیت
 اشعر ایات آسمان فرسای و لمعات الویه سپهر آسای
 این شهزاده عالم ارای عالی رای • بیت
 درخت کوه کبی از برج شاهی روزان رویش از فراموشی
 ابوالمحسن ششای جوانخت • که بر خردار باد از نایب و از تحت
 و کوه کوه عظیم در بدیه حشمت و ابهت او را
 از سپهر فتح و نصرت شارق و طالع ع این دعا از
 همه خلق جهان آمین باد • با تمام رسیده و به اختتام
 انجامیده • این رساله مشتمل بر مثنوی • بر سرار حکمت
 و منظوم • بر عقایق الهوار دولت • و هم از نام کتاب که
 مصنف با اسم سالی و نام نامی آن حضرت است •

تاریخ اتمامش معلوم و مفهومی می‌کردد. بیت
با خامه کهنه ای که از سر ساختنی قدم. و از مقدم تو چشم
سخن یافت روشنی. اخلاق محسنی تمامی نوشته شد

تاریخ هم نویسنده اخلاق محسنی

برای خداوند کبریا حمد فراوان و صلوة و سلام بی‌انحصار
بر رسول و ایشان و حبیب رب‌مانان تحریر این کتاب
منستطاب تمام شد. با امر و فرمان مکارم عنوان علائق
شماره محمد رشاد بن عبد المجید خان. همیشه بکمال
مقصودش ولی اوشاد باد. بتوفیق رب العباد نوشته
این رساله بقلم الفقیر الحقیر المعترف بالعمی و التقصیر
المحتاج الی عنایة رب الفدیر. علی الشکری بن الشیخ
مصطفی علی بن الشیخ علی بن ولی الدین. غفر الله
ذنوبهم وستر الله عیوبهم ورحمهم الله تعالی مع الموقدین
سنة خمس و تسعین و مائتین و الف. یوم التاسع
فی شهر رجب الحرام من هجرة من لا اله الا الله و الشرف

هنگام
کتاب مصطلح منطق الطب الباطن
شرح کتاب التائین عطاء الله
بسم الله الرحمن الرحیم
اخریج من فیه اب
در سر آبر آب سید در دنیا
خاکها را بر سر برادر دانه
دستها بر سر دست
خاک در غایت پی برد
آبکی را پیش دام داد
و نه کرد در آب آرام داد
آسمان چهل غمزه بر روی
میون کرد و با جوشی که
کردش در دهن بچید
وزه حرف از نه طایر
دام من را خفت و حال کرد
ریح جاز خاک در و بنال کرد
ریح را در صورت لک لک
از نه کار و کفر خاک و نور
نور اکبر از دهن بچید
و فلک در هفت هزار غمزه
کبر اکبر از دهن بچید
کو بر آسوده در دهن و نور
کبر اکبر از دهن بچید
سکندر با قوت خیر ملک کرد

گوهر آید رخ و در و در : ز سیه که در بخور سر
 کاه کمر روی آتش رفته : کاه که در آید به بسند
 نفس بر کشی از بخار آید : ز کجای جهان بی آید زنده
 عقد را چون دید بیا بی : علم در آید نشانی گرفت
 کج بایی چون طلسم نیست : جان شود پدید آید در گرفت
 بعد از این طلسم نیست : غیب را جان و جسم نیست
 اینچنین نبرد به پایان مهرس : در چنین در در آید مهرس
 درین دین کس به پایان بی : زرقه نشسته و بختی در کس
 در چنین بگری که بحر عظم است : عالمی دره است دره است
 بگو چه است این بحر عالم بی : دره هم یک کوه است نام بی
 رغانه عالم بگذره هم : کم شود یک کوه زین بحر کم
 کس نداند تا در این بحر عشق : سبب بزه قدر دارد و عشق

داد آن عت بر این مریک گفت خشت در پس و کوزنک
 واپس خشت که بچند کارک منقطع کردیم امید پاک
 چون راه بر خاک ای کزین منقطع کرد امید از کاباش
 پس پیرنه خشت آفریدی هم ترک کردن روی خشت در روی
 چون کابک آرم بر کشته کرد هیچ باریم مبارز هیچ روی
 روی آندام که با چنجه نگاه هیچ بریم بناری ای آکه
 در آن مظهری کرد کار به در کز از هر چه رفت در کز

(حکایت بر سید لکنه در حمام با خادم)

بر سید لکنه در حمام بود قلمیش افتاد سردی خام بود
 شمع خنجر آورد با پاروی و جمع کرد آنجند پیش روی او
 بنظر گفتا بگو ای پسر جان تا جوانمزدی چه باشد در جهان
 شمع نقاشی بهمان کردش و منی چشم خنجر نا آوردن آ

ای کابک

این بود که بود بر بادی او قایمیش افتاد و نذر پای او
 چون بنیادانی گونیش از زر کرد خوشی خوشی نه قایم استغفار کرد
 خفا پروردگار صفا پادشاه کار سازد مکر
 چون بود نزدی خلق عالی هست در برای نصفت شبنی
 غایب مطلق توئی تا بدست در بود نزدی بنای در صفا
 شمع و بشیری دور گذار لوحی و پیش چشم، سید
 چون برقی تو بر شمع کتب ختم شد و الله اعلم بالصواب

(ختم کتاب)

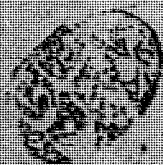
منت پروردگار و حد بشمار هم سپاسی او را و کثر انگار
 جان مادر برستان حد تو والد و مستان صفات حد تو
 دل که طبعی کز خون ثابت مست عشق عند لب خوشی کثرت
 در مقام بحر جری آمده هم سرگشتگی جبهه ان آمده

پس درود بیهات از خدا هر بر جان رسول بگیتی
 ان نعمه و نعمه الله کرد بار داد که محتوا بوز در داد
 انکه باشد این درودش در بار سر هم درود های جان ما
 جان بکلی شفیقه در کار است ای رسول او نشسته و پادشاه
 در زلف لبوبی او کز نامه چند روی تو در او کز
 همچنان دل در تیر تو بود گاه اندر حد دکه در در بود
 حصلا از مدد در آید و اتفاق ختم این نسخه براد
 روز سه شنبه بوقت استوا بیستم روزی بد از ماه خدا
 با نفع همتا در حد کج نشسته هم ز تاریخ رسول خدا کج
 گفت عطار در همه روزن تنی کز تو هم بگزینی بار کج

نسخه انکسار بیرون الک الک الواسع هاشم

ربیع الاول کاتب کرد و بنام

امام رضا



P.C. 322/65 RI 86

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد عصمه الله ابن محمد البخاری (مربوط به قسمت عربی است)

عنوان کتاب: نامشخص

توضیح: بدون تاریخ و شبیه دایرة المعارف است؛ دارای یک بخش ضمیمه درشش صفحه به زبان عربی می باشد.

موضوع: واژه‌نامه‌ی عربی فارسی است ... فی اسامی ازواج النبی صلی الله علیه وسلم، فی اسامی اولاد النبی صلی الله علیه وسلم فی اسامی عشرة المبشرة بالجنة رضی الله عنهم، فی اسامی السور المدینه، فی اسامی موالی النبی صلی الله علیه وسلم ... فی اسامی القلاع بخیر، فی اسامی اوجاع الامراض، فی اسامی الشهور الرومیه، فی کون الشمس فی کل برج، فی بیان اوزان الفلزات ... فی اسنان الغنم، فی بیان اسامی قبائل سبا ...

تعداد صفحات: ظاهراً صفحات قسمت آخر کتاب نیست، چون تا صفحه‌ی ۱۴۸ به فارسی است و بعد به صورت متفاوتی صفحات به زبان عربی است و درباره‌ی صرف و شکل واژه‌ها در زبان عربی است.

صفحه اول موجود: به سکون لام که معدن اوست و دیگری رصاص اسود که رنگش به سیاهی مایل است و آنرا سرب نیز گویند ...

اندازه صفحات: ۱۸×۱۱/۵ سانتیمتر

نوع خط: نسخ آمیخته به نستعلیق

پایان: ... ثم ما قصدت جمعه فی هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب والتماس اولی الالباب ان لا یخطوء علیّ بالبدیته والشباب وان ظهر علیهم خطاء فصَحّوا نیلاً للثواب رحم الله بمن دعائه لمؤلفه الراجی الی رحمة الله الباری محمد عصمة الله ابن محمود البخاری اسکنهما الله تع فی صواب رحمته من مغفرته الله قدیر و باحبابه تَمَّت والله اعلم بالصواب به د.

تصویر: شش صفحه از کتاب.

[illegible]

کتابخانه عمومی دارالعلوم دیوبند
از قلم شیخ

تقریر
الحاج سید و سید احمد

[illegible]

الحمد لله الذي هدانا لهذا
 ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

کتابخانه عمومی
دانشگاه تهران
مجله دانش و ادب



[illegible]

[illegible]

عشرین و اخواتها من یک الی اعداد و مرکب فاذا اضعیف یلزم ترکیب ط
 یقتضی الی الشل و فی عشرون و اخواتها نون شبه نون الجمع فم
 حذف ذلك النون عند الاضافة یخالف بقاعدة الاضافة و حذفها
 خلاف وضع الاعداد فاذا لم یضعیف نصب علی التیمیز لکن و محلا
 الاعداد اما افراد التیمیز المعداد و ثلاثة لما صار منصوبا صار فاعله
 فاعبیه افراده لیکن الفضله قلیلا منع ان المقصود هو بیان للبشر
 یحصل بذلك ثم ما بقصدت جود فی هذا کتاب بعین الله الملک الوهاب
 و التماسی ولی الالباب ان لا یخطو علی
 بالبدیة و التسمیة و ان طهر علیهم خطا
 نصیحا و نیلا للثواب رحمهم الله بمن
 و عارة المؤلفه الراحمی له رحمته الله
 ابیاری محمد عیسی الله بن محمود
 البخاری اسکنها الله تع
 فی صواب رحمة من
 مغفرته ان قدیر و
 با عیاریت
 و الله اعلم
 ما یصلح
 ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي كُنْهَ اسْمُهُ شَرْطُ الْإِقَامِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 حَمَدُهُ رُكْنُ الْكَلَامِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ وَصَحْبِهِ الْعِظَامِ وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ وَبَعْدَهُ
 نَقُولُ الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْعَنِيِّ صَدْرُ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصَّفَاءِ الْبَغْدَادِيِّ
 لَمَّا كَانَ مَجْمَعُ الشَّرْطِ وَالْقَسَمِ مِنْ كِتَابِ الْغَوَايِدِ الْفِيضَانِيَةِ لِلْحَاجِّ
 عَنْ دَقَّةٍ وَمَقَادِيرٍ بِحَيْثُ ذَكَرْتُ الْإِقَامَ أَيْضًا بِعُضْرِ الطَّلِبَةِ وَالْعُلَمَاءِ
 رَدَّتْ أَنْ أَعْلَقْتُ عَلَيْهِ إِجْرًا يَسِيرَةً لِنُوصِيَّتِهِ دَفْعَ رَدِّهِ وَرَدَّتْ الْوَلَدُ
 الْغَزِيَّةُ سَمِعْتُ اللَّهَ يَمُنُّ بِمَا دَاخِلُهَا مِنْ الْقِيَمَةِ وَأَنَا أَسْتَرْعُ فِي الْمَقَامِ
 بِحُجُورِ الْمَلِكِ الْعَبُودِ فَأَقُولُ لَمَّا كَانَ فِي صُورَةِ اجْتِمَاعِ الْقَسَمِ مَعَ الشَّرْطِ
 فِي الْكَلَامِ يَحْتَاجُ اسْمًا يَخْتَلِفُ فِيهَا الْأَحْكَامُ ذَكَرْتُ الْمَعْرُومَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ
 فِي مَبَاحِثِ حُرُوفِ الشَّرْطِ لَكِنْ وَفَّقْتُ فِي ذِكْرِهِ أَيْضًا فِي أَجْمَالِ إِحْتِمَالِ غَرَادِي
 الشَّارِحُ مِنْ كَسْرِهِ بَيَانُ تَقْصِيلِ الْمَرَادِ وَأَفَادَةِ فِي غَايَةِ الدَّقَّةِ وَالنَّجَاحِ
 وَلَقَدْ أَجَادَ فَقَالَ لَا إِذَا تَقَدَّمَ الْقَسَمُ أَوَّلَ الْكَلِمِ أَيْ فِي أَوَّلِ زَمَانِ
 الْكَلِمِ بِالْكَلامِ يُفْعَلُ زَكَ لَكُنْهُ نَظَرُ زَمَانٍ يُقْبَلُ أَنْ يَفْعَلَ مَا عَرَضَ مِنْهُ
 الْمَعْنَى أَنْ يَصِغَ حَرْفٌ مِنْ فَيُتَوَلَّى الْكَلَامَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَتَوَلَّى زَمَانًا وَلَا

P.Č. 1418/63 per

RI 69

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: معارف دینی

تعداد صفحات: ۱۳۴ به علاوه ۱۴ صفحه‌ی ضمیمه، یک غزل طولانی و ۱۱ صفحه یک ترجیع‌بند؛ صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم اشعار عربی است. از صفحه‌ی سوم اشعار فارسی است.

اندازه صفحات: ۱۸×۱۱ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

آغاز: صفحه اول به قرار زیر آغاز می‌شود:

مالك الملك محي الاموات

نحمد الله قائما بالذات

صفحه سوم:

چون ترا دست حق به باغ نعیم	داد ترکیب احسن تقویم
بر تو نوشاند جام فضلنا	بر تو پوشاند جامه‌ی تکریم
همه بهر تو آفرید و ترا	بهر خود آفریدگار علیم
بهر او باش تا تو را باشد	خانه گرای گدا بکوی کریم

توضیح: برخی اشعار عربی و برخی فارسی است و بیشتر آنها در باره حضرت مهدی است.

پایان: در صفحه‌ی ۱۳۴، آخر بخش اصلی چنین آمده است: خاتمه یافت بالطاف لطف بیچون در یوم سه‌شنبه ۱۳ شهر جمادی‌الآخر دی ۱۳۳۹ مطابق با روز تصادف در ه ۴۰۰۰ برج حوت ۱۲۹۹.

مگر صاحب‌دلی روزی ز رحمت کند در حق درویشان دعائی
فانی نصرالله پیرمرادی کاشانی استنساخ و از محبه‌تان حرم قدس [به همین صورت نوشته شده است] التماس دعا دارد یا مجیب الدعوات.

صفحه‌ی آخر ضمیمه:

بتوفیق یگانه قادر بی‌همتا جلّت عظمته یوم ۳ شنبه ۲۱ جمادی الآخر ۱۳۳۹ مطابق
 ۱۱ برج حوت ۱۲۹۹ مصادف با ولادت باسعادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام استنساخ
 نمود فانی درگاه حضرت مولی‌الوری [به همین صورت نوشته شده است] نصرالله
 پیرمرادی کاشانی.

مناجات:

یا رب دعای خسته‌دلان مستجاب کن یا سامع المـجیب
 تصویر: صفحات اوّل و دوم و هشت صفحه اشعار فارسی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 نَحْمَدُكَ يَا مَنْ لَا يَدْرِي مَا لَكَ
 سُبُّكَ أَكْبَرُ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَطُلُوعِ الْكَوْكَبَاتِ
 رَسَدَ الْأَقْبَارُ وَالْأَشْرَارُ نَزَلَ الْإِنْبَاءُ وَالْأَعْيَادُ
 تَرَفُّعُ خَيْرٍ عَنْ لُطْفٍ فَلَا يَأْمُرُكُمْ بِفَيْتٍ
 عَمَّ حَمْدُكَ يَا مَنْ لَا يَدْرِي مَا لَكَ بِالْبَيْتِ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ
 الَّذِي أَدْعُو لِي بِأَمْنٍ لَيْسَ عَلَيْهِمُ الرِّبَاةُ
 رَيْنَا أَمَّا أَطْنَا هَمَّ أَلَمْ تَكُنْ رَمَدُونَ
 أَسْمَاءُ دَعْوَةٍ رَكَاةُ دَلِيلِ الْبَيِّنَاتِ الْبَيِّنَاتِ
 أَنَا ذَا شَهَادَةٍ مِنْ صَدَقَ
 أَسْمَاءُ دَعْوَةٍ رَكَاةُ دَلِيلِ الْبَيِّنَاتِ الْبَيِّنَاتِ

مَنْ نَبِيٍّ كَرِّجْ فِي الدَّارِ مَنْ نَبِيٍّ كَرِّجْ فِي الدَّارِ
 كَلَّمَ دَاوُدَ تَهَادٍ عَلَی سَطْعِ الدَّارِ أَحْمَدَ الْحَقَّارِ
 وَهَلْ عَلَیهِ مِنْ رَبِّهِ وَهَلْ عَلَیهِ مِنْ رَبِّهِ
 الَّذِينَ بِهِمْ بَرْنَا أَلَمْ بِهِمْ دُشْمُ دَاوُدَ أَحْمَدَ
 وَهُمْ الْعَالَمُونَ بِالْآيَاتِ وَهُمْ الْكَافِرُونَ بِالْآيَاتِ
 عَلَّمْنَا نَفْسَهُ عَلَيْنَا هَامْ ذَكَّاهُ بِهِمْ فَازَ فِي الدَّارِ
 النَّبِيُّ وَالْأَلَمُ وَالْبُرُوجُ أَلَمْ وَالْبُرُوجُ أَلَمْ
 فَهَمَّ عَلَيْهِمْ دَاوُدَ سَيِّدُ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ
 يَا حَيُّ الْكَفَرُ حَقِّي الْأَسْمُ
 نَعْمَ الْأَكْثَرُ الْأَكْثَرُ

چون سرادستش باغ نسیم داد سربس حسن تقدیم
بر تو ز شاد جام فضلتا بر تو پشاد جبه کرم
بهر که آفرید و سرا بهر که آفرید کار علم
به برادیش تا آردا باشد خانه گرای گدای کوی کرم
چشم از آب پرش حق طلب رب رب گوی ابراهیم
عبده کن بر در غنیمت حق گرفته کشته و آب لب غنیم
بگردخت نمیزد دنیا بر در آب طلب سلیم
بر کجایک عادی نزد نندگان باد زرد سلیم
تمه گوشت ریشا لشک
تم لبیک ریشا کشت

ای برادر زای نصیب در زار سیه کنده زرق کنده
 بر چه کرشم خرمندای بیا بر چه جویم خرمندای
 ماه نرزه کیه و نرزه گسترده یار در بنم و دامن بر
 یا هیالگشت در تها کراه چشمها کوه و کوهها میر
 گنجه بر زار زرق کنده آب حیدان نصیب اسکندر
 لاف دوش برین که در بر سرده خضر را زاب
 خورشید خضر گر رانای دین حق آب زندگانه شمر
 با تو گویم اگر چه محب او بوز آفتاب و شمر

فاتحه بنی حسن السعید

و بنی حسن السعید

مقصد نه نبوغ در دین
 بود آن بخت در دین
 در مقام که قصه می کرد
 بود طلب طریق و ضعف
 به سادگی زانوی کانی است
 خود به شرح اندک آن
 که مدتی به جمع بود
 که شده در حرف آن
 بنیانی در این بیان
 نه در حق و آن در تصرف
 آه زارین نمی توانم
 توین بر گشتن نبوغ
 که بر پی زنگه گریه
 زین سوی کلام حق
 در این ایضا یطعن در حق

ای خدا کار با ما بکنار
پروانه شمشیرها بر دار
بهد از عطای غش غش
بهد از رخای خوش بهار
دین بکشد از لهر کمر کن
قدار انفس در کجای
نقد نرا سده خوش جان
در بر از اسخه خوش یار
بکنم غفلت ز غفلت زدا
روح هست نهی با بکار
رشته بکن رشته بکن
تخم انفس نیند بکار
ردم که کس را مرده باز
خسرو بدهد را مرده دار
گفته جبهه را بلف بکن
دجست جبهه را بلف بکار

انکه آتیه زنا آتیب

المنزله المهرخ آتیب

تجربت با لیلین

۱۳۳۹

نقد بایست بطرف لطف بکن در بر ۱۳۳۹ هجری

طایب با زنده دلف در ۴۰۰۰ ریح حوسه ۱۲۹۹

مگر جبهه لای نهی در دست کینه در حق در کین دانه

فان فی فیض المهر برادی گانه شمع در مژگان هر تیر

الاس رجا دلد با حجب ابدیه

بر الاظم الابس
 را بد دل چشمنگرش کردن
 یک چو دجله آب یک چو لجه
 چو انال تخت چو انگریم زله
 که در صحن جهان رخسارم این
 دران دایره مقصودنوی نام
 رانده پای برون بهر عالمی
 را چه فائز باز جا که شرم قارن
 را چه عیاره زده اگر شرم دارن
 چه کنده میار کنده نایت
 چو می نهم چه نرسیده چو عارضه
 را چه فخر که نه شمع قیامت
 چه کنده نمانده چه شمع فخر
 را چه فخر که نه شمع قیامت
 چه کنده نمانده چه شمع فخر
 بر دوح عالم دهر جا که زان کور
 را از زمین چه کنم چه کرد
 را برین چه کنم که دامن کور

[illegible]

بهد فرج چون گشت بهر / ذل نفرستد شرف و کرامت
 بهد حضرت عیوب بنی / ز کده جوان و قدند که خون
 بهد حضرت دینار بن / یکا و حضرت ارشد و گران
 بهد حضرت روح نوره این / یکا از ضیاء بود اگر ضامن
 بهد حضرت حکیمانی است / یکا صدق از کلام و کرامت
 بهد حضرت کمالی / یکا شد این کمال و خرد
 بهد خلقت این جهان / یکا است از کمال و کرامت
 بهد بنی کمال و کرامت / یکا گشت عظیم و کرامت
 ز حق بهد و این کمال / که حق ز کمال و کرامت
 قسم بر دای کمال / قسم بر دای کمال و کرامت

قسم بامدرّس حضرت علیؓ قسم کی درمختصیت

قسم بوم كرنيس المشرق قسم بوم كرنيس المغرب

بانی کی کرشمہ کی یاد

بدرتہ تم بہ بدو ملحق رہا لیکن
بسیک کا یہ مفہوم نہیں ہے۔

که بر منی سلام علیکم خردل
فرستاد بپایان نمی تواند

و باضم کبیر و زان کرد
نیا رفیع و کبیر و زان کرد

طبع از دار کتب نفیس المصنوعه

اسمیتون شہید

1984年

حضرت ترانای مہمان پیشین گزشتہ سہ ماہ ۱۶
سلطنت باہم جمع عت ۱۲۹۹ خانہ نصرت پر لڑی

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 52 [اصلاح شد] Pers 1015/35 520

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: ترجمه و تفسیر قرآن کریم (چند سوره از قرآن)

تعداد صفحات: نامشخص.

صفحه اول موجود بر اثر فرسودگی ناخواناست. احتمالاً صفحه یا صفحات اول کتاب فرسوده، پاره و کنده شده است. همچنین صفحه آخر کتاب فرسوده و پاره و کنده شده است. کتاب بسیار فرسوده است.

در بالای صفحه با قلم نوشته شده «وقف».

اندازه صفحات: ۱۲×۱۸/۵

نوع خط: نستعلیق نزدیک به نسخ

آیات قرآن با سرخی و ترجمه و تفسیر با جوهر سیاه نوشته شده است.

توضیح: در هشت صفحه‌ی آخر کتاب «قصه وفات حضرت رسول ﷺ» نوشته شده است.

آغاز: سطر دوم در صفحه اول موجود که خوانده می‌شود به قرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم و این فقیر می‌خواهد که افتتاح این سخن به این دو وعده مزین باشد...

پایان: در صفحه‌ی آخر کتاب ترجمه و تفسیر، پیش از صفحات قصه‌ی وفات حضرت رسول صلی الله علیه و سلم نوشته شده:

تمام شد کتابت این کتاب بعون الملك الوهاب در بیستم شهر جمادی الاول بود که این نسخه تمام شد در نهد و پنجاه و هشت.

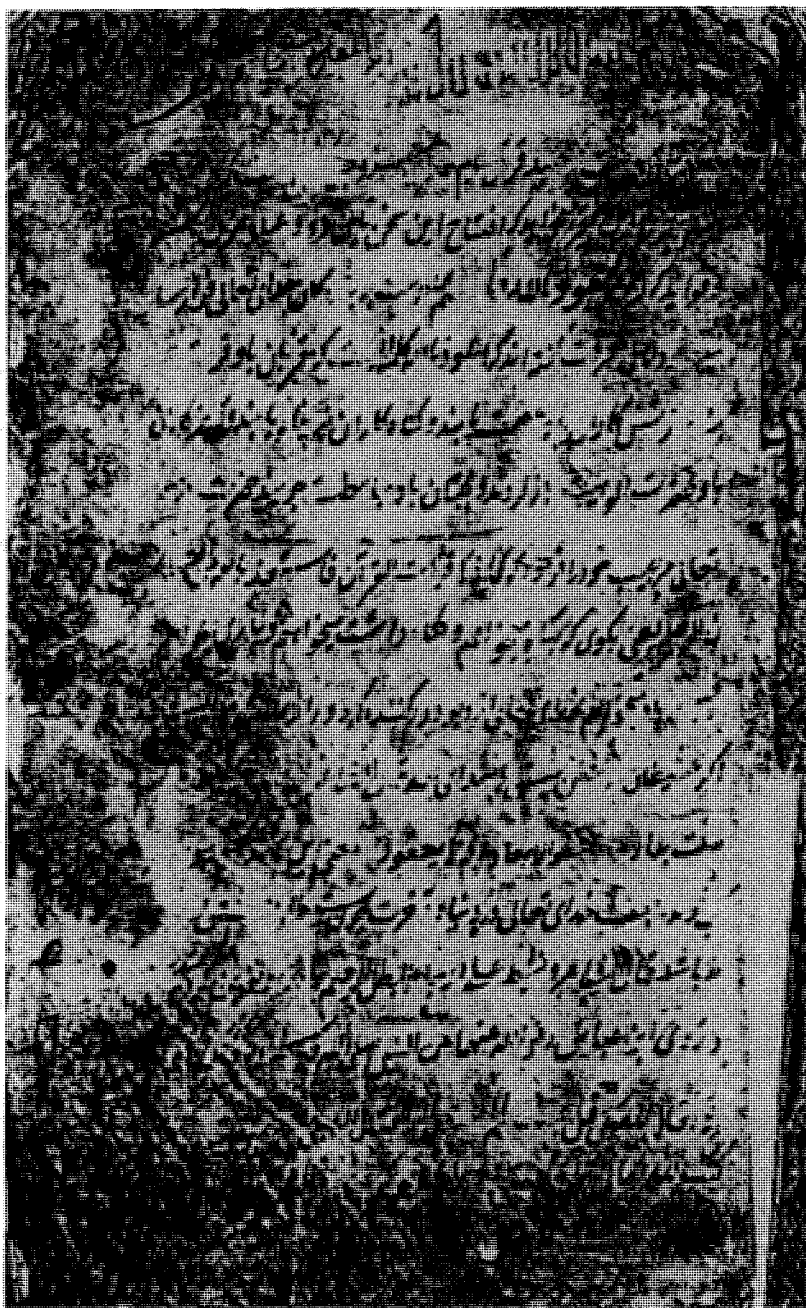
هرگز ز بدی ندید کس رایحه‌ای از کار نکو رسد بجان رایحه‌ای

و انهم طمعی ز جمله یاران عزیز خواننده به روح بنده یک فاتحه‌ای

قلم سست و سیاهی همچو آبست دل کاتب از آن معنی خرابست

اللهم اغفر لی ولوالدیه ولاستاد ولجميع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات

تصویر: صفحات کتاب.



[illegible]

P.Č.1001/35 Pers [اصلاح شد]

RI 2

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص، ظاهراً جاودان نامه

موضوع: پند و نصیحت

تعداد صفحات: ۳۶۴

اندازه صفحات: ۱۴/۵×۸/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

آغاز: صفحه‌ی اول:

اَبـتـدا را بـهـتـرین نـام خـدا

بـود فـضـلش کـردم از وی اَبـتـدا

فَ آه [همین طور نوشته شده] آن خداوند کریم

هـادِی خـلد از صـراط مـسـتـقـیم

آنکـه بی او بـود اَبـتـر کـارها

ایـنچـنین بـنـمود حـق اسـرارها

[همین طور نوشته شده] جاودان نامه، فَ آله

هـر دو را بـنـمود چـون خـورشید و مـاه

صفحه‌ی آخر:

این نصیحت را بجان گیرید یار کار ما این دم چو با صبر اوفتاد

چون خدا با صابرانست شد تمام این سخن کوتاه کردم والسلام

قد وقع انواع من تحریر هذه النسخة الشريفة فی اواخر شهر رجب المرجب فی تاریخ

سنة ست وستين والف عن يد عبدالضعيف حبيب بن علی باسکندریه

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم و سه صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا را بجهت نام خدا	بود فضلش که دم از وی ابتدا
فستاه آن خداوند کرم	تا دی خدا از صراط مستقیم
آنکه بی او بود ایتر کارها	اینچنین بنمود حق اسرارها
که کار لایسام و لایقوت	پادشاهه نزال و لایموت
خلق بشری اولی اول قلم	تا کشد بر لوح سهو علم
نظمی که آن هم ستوت	بستی و مابیت اشیا از دست
بشنوین سرای جویای راز	از علمت کردی سرفراز
تا سوی استعداده چون بنیاد کرد	از برای آن دو دولت آباد کرد
آنکه بعد آدم و حوا در اصل	بیت ایشان از هم در اصل
جاودان نامه عفت ال	هر دو را بنمود چون خورشید و ماه
بود آدم پس و نسی آن کرم	چون بماند و نسی داد کرم
هفتایت داشت از حق و وفا	کشت از آن نام الکتاب و وفا

کاف زبون حرفت چو در آید
 در بحث اهل سؤال از دعوت
 این سخن چون زبانت می آید
 گفت کبر و آخر او شکل جیل
 آن مقام بحث کان محمود بود
 کسی دیگر در ازان منزلت سوال
 صاحب جنج الحاقی آن امام
 چون گزید الله بر کسی نزول
 در عین او مر باشد قیام
 اشک قدم اول و آخر شد
 چون شود ازین خداوند چنان
 در شسته عقد انگشت را بگیر
 دعوت آید صلوة
 بر چون قیوم المل آن مقام
 افتد نه سحر کبری دوست

رفتند و شرفیور کردی و این
 از تو خطبه کردی شک و است
 از خازن آیه لکری شنید
 است بنووان سخن در هر کس
 دیده اند در پیش سرور و
 از نه و حل آردی صاحب کمال
 گفت روزی اینجا بنووان
 روز پیش با ^{از خانه} سرور و در تو
 چون گفتم اینجا بر حق قیام
 از تقاضا بر همه ^{که} شده
 در شفاعت من گفتم و دیگران
 تا روز و نا فکر کردی خیر
 بود چون نانی بر ^{در} کج
 کردش از بر زده احمد نام
 چون ^{بنا} گاهی سه و سه

کتابخانه عمومی

سخت نرسد این برانی بگر و نا
 آتش و آبت خند بکد بگر
 با دوا از خاک کرد انکیز شد
 سر آر در زمان از نظری
 می گزید باز اند خود تیز تیز
 در شکفت آینه از کو غنیت
 نقش بازی هم مگردان ایخفی
 گاه جبارست و قهار و قدر
 در منظر هرست از و سر بلها
 عاشق و معشوق کار آموخت
 چون نهد بر فرقه از ان و شیخ
 در مجاز آنست باز با نمود
 چون بر خودی کند مار چاک
 در بسی مظهر حصوی از انیا
 یکیم در صرافت نمود
 ایسان

کشت وی قرار و در کلا
 وقت ترکیب از برای خورشید
 در غنیمت کردن او چون شیر
 بشکند هر جا که باشد شکری
 می کند زاری که خون من درین
 پیش ایشان چون کز غنیمت
 نیست هرگز شک نمی آم برین
 گاه خد آن بدست خود ابر
 خود مگر خیران ارو بتدلیها
 دوست چشم هر کسی از وی درخشد
 هیچ عاشق سرخی دارد در رخ
 در حقیقت تا چه خواهد دانمود
 کو برای خوشی میکن جبار کجا
 دید او در جای دیگر خوشی را
 آنوا از این زبان بر لب نمود

چونکه در خود نور خود را می‌بیند

چونکه در خود نور خود را می‌بیند	چونکه در خود نور خود را می‌بیند
و آنکه در عهد با آخر رسیده	مردار فضلش بجای نطق پاک
در هر شئی خانه و افکار و کار	آفرید اشیا بخلق قادری
آنکه آفرین بود از نطق بری	این بیگانه اعتقاد نیست
در قیامت بدون حساب و حساب	مبدأ اظهارش اندر ضلالت
هر که دید این نکته را دلش بجز	این کلام روح بخش و نواز
دارد اندر ضمیر خود بسیار راز	هر که است خدا و انا کند
راز او را یک یک پیدا کند	پیروی باشد مطیع او بیجا
چون زمانه بید بجهت او نشانی	ای جوانانی که موعود خدا
است ما را بعد ازین روی شما	این نصیحت بشنویان من زیجا
از بیان نطق و سنجیدان	خانه و مشرب همه بران کنید
تخم شرک در جهنم پنهان کنید	نی چنان پکی که او کرد و پدید
باز از شیطان پس از عهد بعید	نی چنان پنهان کرد و آشکار
چون برآمد چند قرن از دور کار	بگونه عدوش کنید از سر تیغ
بر کنید و بشکنیدش بل دروغ	تا که هرگز نروید تا ابد
است ز بر آن چنینه تخم بر	

این نصیحت را بجان گیرید
چون خدا با صابرانست شد غلام
کار ما این دم چو با صبر از قضا
این سخن کوتاه کردم و السلام

قد وقع الفراغ من تحریر هذه النسخة الشريفة
في اواخر شهر رجب المرجب في تاريخ سنة وستمائة
عزید عبد الضعیف جیب بن علی
باکندریه

J.C. 1081/35

RI 9

مشخصات ثبت در کتابخانه:

مشخصات پشت کتاب، 1181/35، ظاهراً غلط است.

نویسنده: منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن قصة الناس [همین طور نوشته

شده است]

عنوان کتاب: کفایة المجاهدیه

موضوع: طب نظری و عملی

تعداد صفحات: ۳۳۷ و ۱۹ صفحه افزوده شده در آخر کتاب و دو صفحه افزوده شده

به اول کتاب؛ اشخاص دیگر نیز بر صفحات آن حواشی نوشته‌اند.

اندازه صفحات: ۱۰/۵×۱۶/۵

نوع خط: نستعلیق و شکسته نستعلیق

آغاز؛ صفحه اول کتاب: بسم الله الرحمن الرحيم و به

شکر و سپاس مرخالقی را که در خلقت انسان دقایق حکمت او بی‌پایان است و حمد

بی‌عدد و ثنای بی‌قیاس مرپادشاهی را که نعم و احسان او در حق انسان بیرون از حد

و بیان است ...

صفحه چهارم: ... در قید کتابت کشید و به کفایة مجاهدیه موسوم کرد و دیباچه آن را

مزین گردانید به القاب همایون حضرت اسکندر ثانی واضع اساس جهانبنانی حامی قوانین

ملک و ملت ...

صفحه پنجم: ... هلال کمان بزرگ همت و قدر بلند افسر و تخت خجسته رایت و رای

و گزیده نام و نشان لازال فی عرصة المالك مرفوع اللواو حله الله ملکه و سلطانه مظفر

اعلى الاعلاء که خورشید رافتش بر مشارق و مغارب عالم درخشان است ...

صفحه ششم: ... فهرست کتاب این کتاب مبتنی بر دو فن است فن اول در قسمی طب

یعنی نظری و عملی قسم اول در طب نظری مشتمل بر چهار مقاله ...

آخر کتاب: ... تمت الكتاب بعون الملك الوهاب مرقوم قلم شکسته رقم اقل السادات

سید علی مشهور به حمزوی گردید بفاتحه یادآوری نمایند. م تاریخ ندارد.

تصویر: دو صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 شکر و سپاسی از تو که در حققت نشان دهنده حکمت او
 پدیدت دهی و در حققت حقانیت مرادت میرسد
 که نعم و کرم تو در حق نشان مراد حق و در حق حق
 حکمت قدرت تو به جامع اهل دهر را بکمال رساند
 افتد در حق او و اهل احوال امر حق و احوال قدرت
 از حکمت قدرت تو افتد احوال و احوال در حق و احوال
 در حق و احوال در حق و احوال در حق و احوال
 به حق و احوال در حق و احوال در حق و احوال
 صورتی بر قامت زیارت نشان انداخت و احوال در حق
 من العلیب بکمال حق نشان مراد حق و احوال در حق
 اندر العلیب بکمال حق نشان مراد حق و احوال در حق
 مناجات او بکمال حق نشان مراد حق و احوال در حق
 حقانیت در احوال حق نشان مراد حق و احوال در حق

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 56 1101/35 Pers [تصحیح شد] rkp Tur 70 RII 56

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

موضوع: ادبیات تغزلی عرفانی

توضیح: یازده صفحه‌ی اول و شانزده صفحه‌ی آخر دیوان سفید است ولی همانند صفحات دیوان خط‌کشی شده و برای نوشتن ابیات آماده است.

اندازه صفحات: ۱۷×۱۰

نوع خط: نستعلیق

آغاز: در یک صفحه آغازی کتاب از صفحات سفید به خط نستعلیق درشت

نوشته شده:

این کتاب را منکه ملا عبدالمؤمن
اولین بیت موجود کتاب:

گر همه خلق جهان بر من و تو حیف زنند

بکشد از همه انصاف ستم داور ما

پایان: آخر بیت موجود کتاب:

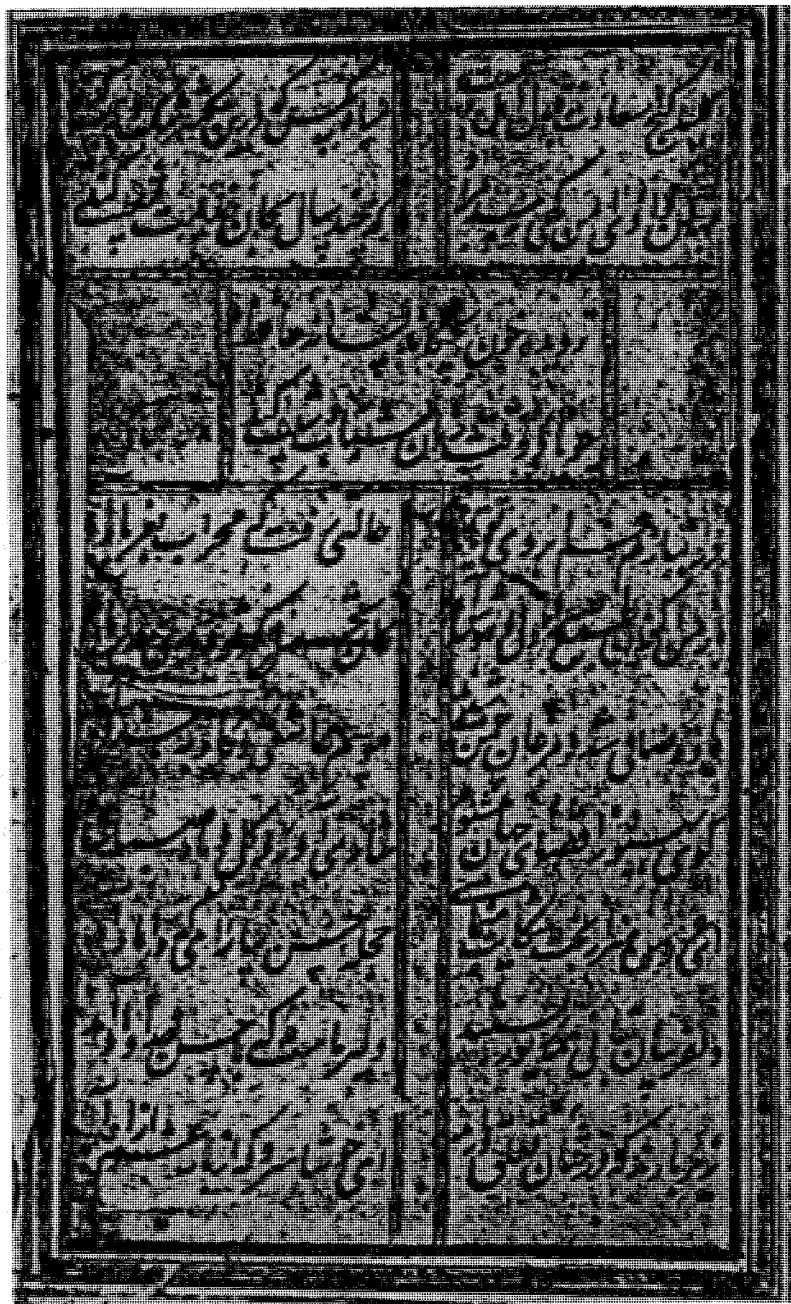
زیر بارند درختان که تعلق دارند ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد

توضیح: عنوان کتاب و تاریخ کتابت نوشته نشده است. صفحات، زمینه‌ی آب طلا

دارد و نوشته‌ی پایین سمت راست و یا چپ برخی صفحات بر اثر گذشت زمان و یا احتمالاً رطوبت از میان رفته است.

تصویر: سه صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر موجود.

کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم	کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم
کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم	کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم
کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم	کتابخانه کهنه دارم مکتب انبیا گوید دارم درخت خوشبختی دارم که سرش از طبق بر دارم چو سفور اگر کنی بر دارم ز توده حسن و خوش دارم



P.C. 1188/35 Pers [اصلاح شد]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 48

شاعر: نظر علی زنجانی (در صفحه‌ی ۱۱ آمده است)

نظر را با علی خم کن مقامش شهر زنجان دان

بجویی از ره احسان اگر نام مؤلف را

پس از اتمام و تصحیحش ز راه فکرت و بینش

مفاتیحی ز قرآنش مسمی کرده‌ام او را

عنوان کتاب: مفاتیح

موضوع: فرهنگ لغت (لغات قرآنی؛ در صفحه‌ی ۱۱ آمده است)

هر آن لفظی که از قرآن ترا مشکل فتد در آن

به ترتیب حروف ای جان مرادت را طلب فرما

بعهد پادشاه کامکاری خسرو عادل

محمد شاه غازی تاج‌بخش قیصر و دارا

ز بعد چار خمسین و هزار و شصت از هجرت

بپایان آمد این منظوم خوش مفهوم گوه‌رسا

تاریخ: در صفحه‌ی ۸ و صفحه‌ی ۱۲ و ۱۲۶: ۱۲۶۰

تعداد صفحات: ۳۱۰

اندازه صفحات: ۱۷/۵ × ۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق نسخ آمیخته با ریحان

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

تعالی الله خداوندی که از حکمت کند پیدا

همی از خاک و باد و آب و آتش جمله [ی] اشیاء

قدیری موجد الخلقی که در ذات آمده واحد

ملیکی مالک الملکی که در ملک آمده یکتا

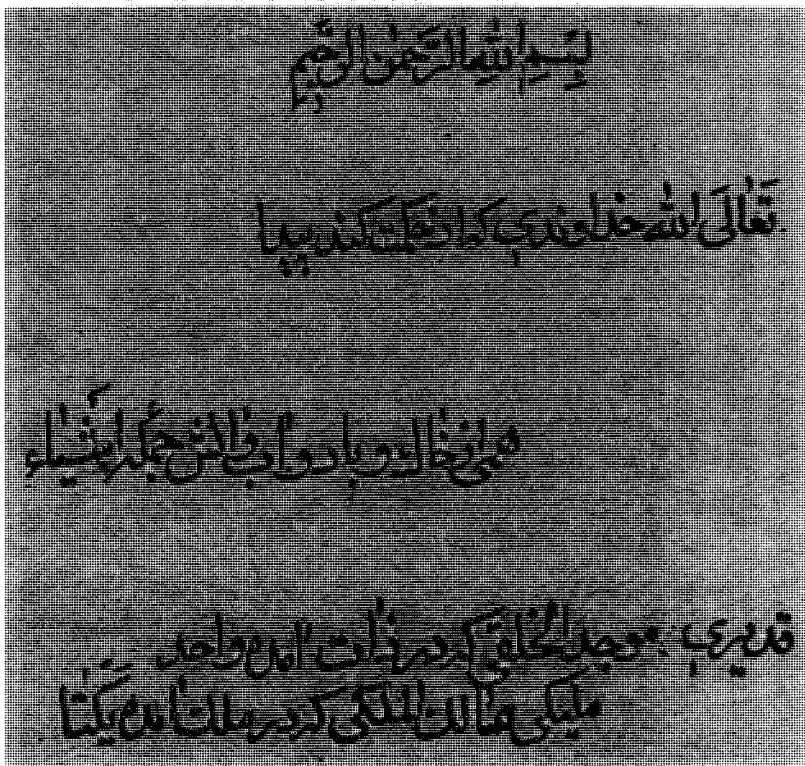
پایان:

ز نیمو فزون میکند شد عیان

چه یعتو تجاوز ز حد می‌کند

اگر معنی یبلو آمد چنین دهد نعمت وی کند امتحان
یبلو می آزمايد و نعمت می دهد

توضیح: سه ورق آخر پاره و کنده شده؛ با این حال، کتاب نسبتاً خوب مانده است. بر
کتاب حواشی محدودی نوشته شده است.
تصویر: صفحات اول و دوم و صفحه‌ی آخر.



در این دایره اندک بدوالت و نهجت

و قیسی شربت نوشی نثار دانه حرما

رضعش حنجر نیلوفر مرصع زانیم کوه

بامش کبندینا معلق بر غریبا

نشان از اختر و انجم بر اوج طارم قائم

عجایب مشعلی روشن غرایب کوهی بیضا

به کوهستان
 چو برون آمدند میدهند قیون را که بدان قایمان
 کمان بشود مرغ بعلو بود
 بایک بر غیر بگو خوان
 چو بر جویش بود بعل
 دگر ترس و امید را در بدان
 چو بر جان از رخد میکند
 زین بر و رفت میکند
 دگر معنی میو آمد چنین
 دهد غنیمت و میکند
 بگو از این برت سید

P.C. 1186/35 Pers [اصلاح شد]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 46

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: طالع‌شناسی و نجوم و فال‌نامه براساس آیات قرآن

توصیف سالها برحسب سال خاص (موش، پلنگ، خرگوش و نهنگ و...) و توصیف حالات مردان و زنان و طالع آنان برحسب تولد در برج خاص و ارائه‌ی دعاها و طلسم‌ها برای دفع بیماری‌ها و ناراحتی‌های جسمانی و روانی.

تعداد صفحات: جمعاً ۱۶۴ صفحه به علاوه‌ی ۱۳۰ صفحه طالع‌شناسی و نجوم، ۲۴ صفحه فال‌نامه براساس آیات قرآنی؛

اندازه صفحات: ۱۷/۵×۲۲

نوع خط: نسخ

آغاز: نصف صفحه پاره و کنده شده است

همدونه و مرغ و سگ و خوک آخر کار ترکی و فارسی سچقان و موش پایان: نوع دیگر برای گریه کردن کودک که بسیار گریه کند، این آیه را بنویسد و در بازو ببندد ترک کند.

بسم الله الرحمن الرحيم. فضرربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددأ تمام شد.

توضیح: کتاب فرسوده است؛ بدون تاریخ است.

تصویر: صفحات اول و دوم و صفحه‌ی آخر.

بیست و نه سال با سید و کرامت است
 همه مرغ مسکن که از کار تکیه نامی است و در مرغی از کار با سید و کرامت
 این نوشته که در دست نویسی است که در میان تکیه است و در میان تکیه است
 یعنی غلام مرغی را در دست نویسی است که در میان تکیه است و در میان تکیه است
 مقصود از این نوشته که در دست نویسی است که در میان تکیه است و در میان تکیه است
 در این نوشته که در دست نویسی است که در میان تکیه است و در میان تکیه است
 بیست و نه سال با سید و کرامت است
 سال و در میان تکیه است که در دست نویسی است که در میان تکیه است

[illegible]

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 33 [اصلاح شد] P.Č. 1185/35 Pers

نویسنده: میرزا سروش سلطان الشعراء (در صفحه آخر نوشته شده است)

عنوان کتاب: روضه الاسرار

موضوع: مجموعه گفتارهایی به صورت مثنوی در وقایع کربلای امام حسین علیه السلام و خاندان او.

توضیح: وضع کتاب نسبتاً خوب است ولی در حال فرسوده شدن است.

تعداد صفحات: ۱۰۷ صفحه

اندازه صفحات: ۱۵×۱۲/۵

نوع خط: نستعلیق. در این کتاب حرف «گ» شبیه «ک» نوشته شده است.

تاریخ: ۱۶ رجب المرجب ۱۲۶۸ (در صفحه آخر نوشته شده است)

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

دارم اندر دست خونین خامه‌ای [در کتاب: خامه]

تا که بنویسم مصیبت‌نامه‌ای [نامه]

لیک ترسم که بسوزد خامه‌ام

همچنان ننوشته ماند نامه‌ام

خامه‌ام ترسم که گردد محترق

تا بسوزد از تفت آهم ورق

بر نشانم ز اشک تفت آه مرا

تا نویسم سرگذشت شاه مرا

پایان:

بارالها بس کبایر کرده‌ام	بی‌ثوابی صد صغایر کرده‌ام
آن کبایر را به اکبر بازبخش	آن صغایر را به اصغر بازبخش
کردکارا ناصرالدین شاه را	آن سزای تاج و زیب‌گاه را
حشمت و نام سلیمانش ده	رتبت و کام دو کیهانش ده
کین جواهر سفته‌ام در عهد او	کام لب آلوده‌ام از شهد او

اول این نسخه تا آخر تمام گشته در دارالخلافة والسلام
به تاریخ شانزدهم شهر رجب المرجب سنه ۱۳۶۸.
تصویر: دو صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

دارم اندر دست خویش خانه	تا که بگویم نصیب نامه
لیک برسم که بسوزد و خام	بمیان نهشته ماند نامه
خامه ام برسم که در محرق	تا بسوزد و از آتش بسم و برق
بش از شک تف او را	برسم که گشت شاه را
که در حق چون حال آید و بی	شکار و شکار و شکار
آن بر دار دل غم و دل	و این در سر و سر و سر
حق چو همیل با بسم	درج کردن و بسم

خوش بیان بستان به قربانی	کردن هیچ خدا از غمش
عاشقانه از ننگان دلش	کوشندی بوده از نوحی
کی خسته کوشندی لاجرم	بدر همیل خمی لم یزل
بشمار مقصوم این بخت	دست را بدو کی برگیر
گفت حق بر گوید و جبر را	که خست مقصوم همیل را
در یکی دل نیست کجای دود	زین دو یک است بخت
یا پیر در راه دانی پس	یا فرویل تا بخت را ز سر
گفت بستم بند و فراقی	صد حواداد ابراه قسیل
این بخت در راه خود است	از نوحی هیچ کردن پادش
چون که زخمی شد غمیل عشق	که بار اگر دشت هر حق بد
بکن نماید زخمی همیل	چون بیند حال شاه حال

بیز اسیرش آید و آنکه غلامی را که در عیون و غیره
بسلطان اثر کند و در دست و این نوع بر خدایه کار دارد و می‌داند

شکره بخش که خواستم	این صفت است در هر کس
دیش من روزی که من شکری	روفته آلا سرار که دم نام
جسمم نام که پذیرفته نمود	در دو کیتی نام من گفته نمود
نیست که در از او ان که شدم	کردم این راه و یار شدم
برای این که بیا که بگویم	پا زده صدف بر که نام
آن که بر او بگویم و بخشش	آن صفا را در این بخشش
که در او این که بگویم	آن برای آنج که در او
جسمم نام که بگویم	رقت نام که بگویم
کسی که بگویم و بگویم	کام نام که بگویم
آن که بگویم و بگویم	کشته در او که بگویم

گفت بپشاه دین یارم بل و پر در خون دود یارم
 کوفیان شستند بر پا شسته کاش بر بیدند آقا
 عرقه در خون کشیدند کوفتند خدای اینک برین
 کرد و کشیدند بر پا کرد و باز کرد جیش را کفن
 اندران با سوزن خنجر سایه گسترده بر روی رنج
 این بخت مرغ خوش خاطر لرزان جان گزیده
 بزم و دوست و برادر رخ کند و موسی شکیباز کرد
 مرد و زن از غم و درد پس بر این قصه زن و بچه
 تمام و انجام رسید این ستم که از ساج طبع زلفیست
 فتح هزار آردا کل در حسن البقا عصر سار

P.C . 1183/35

RII 1

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: شیخ جعفر خزاعی

عنوان کتاب: نامشخص

موضوع: علم افلاک، ستاره‌شناسی، نجوم، توصیف افلاک، بروج، سال، ماه و تاریخ شمسی، قمری، رومی و مبدأ تواریخ.

تعداد صفحات: ۱۰۰ صفحه به علاوه ۱۲ صفحه اضافات به صورت رساله‌ای در اصول دین شیعه.

توضیح: کتاب تاحدودی فرسوده است و برخی صفحات بازسازی شده است؛ ورقهای کتاب به رنگ سبز مغز پسته‌ای است.

اندازه صفحات: ۱۵×۲۰ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

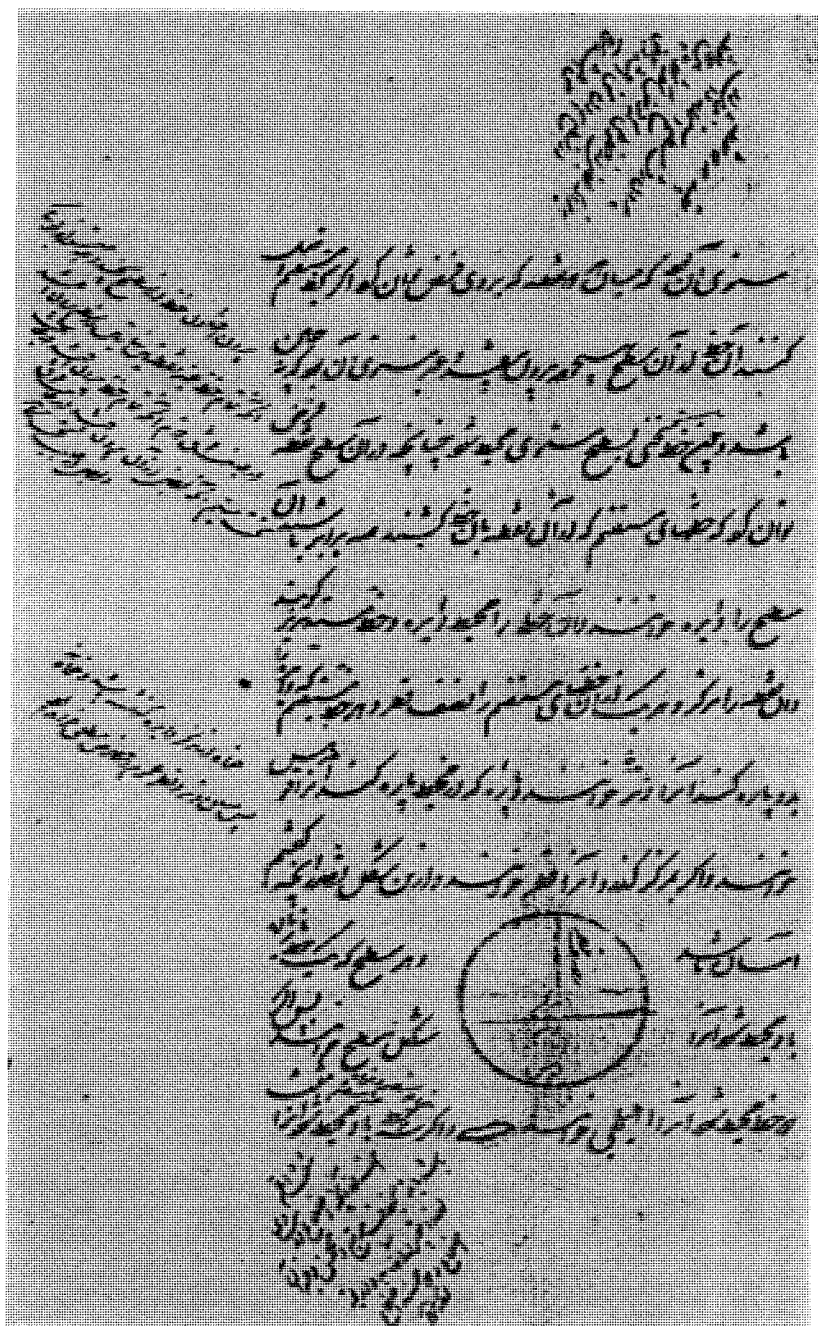
تاریخ: ۱۲۲۶ هجری قمری (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است)

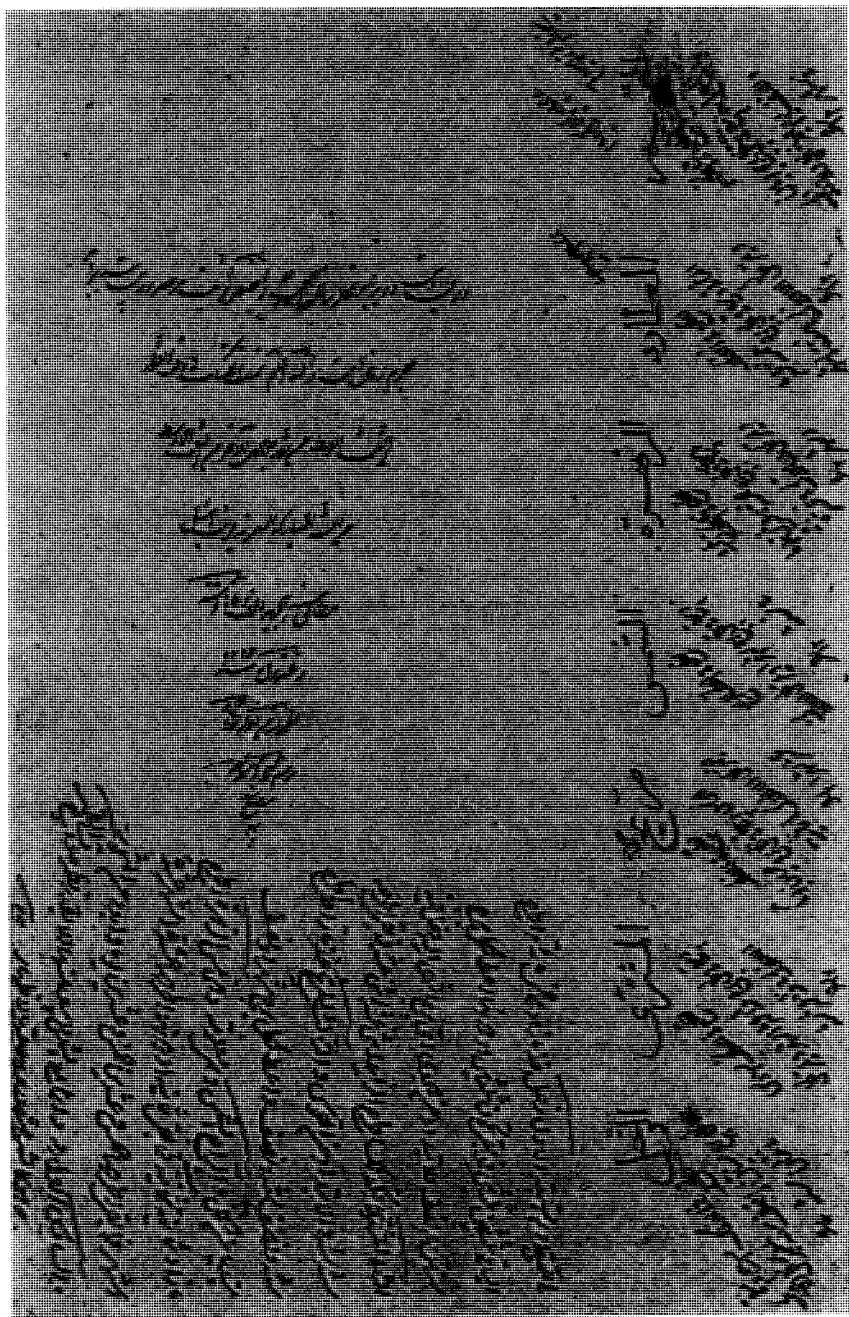
آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الرب العالمين حمد الشاكرين والصلوة على خير خلقه وآله اجمعين.

اما بعد اين كتاب مشتمل است بر مقدمه و دو مقاله؛ مقدمه در بيان آنچه پيش از شروع در اين علم دانستنی است و آن دو قسم است، قسم اول در آنچه تعلق به هندسیات دارد ... پایان: ... واصغر ثوابت مرصوده بیست و سه برابر جرم زمین است والله اعلم تمت الكتاب في وقت الظَّهر في الثالث الوسط من شهر جمادى الآخر من الثالث الاوسط من السنة المباركة الميمونه يونت استل [به همین صورت نوشته شده است] مطابق سنه هجره الف وماتا وستة وعشرون سنه ۱۲۲۶ الحمد لله من اوله الى اخره برسم نسخه کی موعود [به همین صورت نوشته شده است] مرصع شد.

تصویر: دو صفحه‌ی اول، صفحه‌ی آخر و صفحه‌ی اول ضمیمه.





۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 1093/35 Pers [اصلاح شد] RII 17

نویسنده: نامشخص؛ در صفحه آخر، میرزاییک (همچنین: پاینده بیک)

عنوان کتاب: نامشخص؛

موضوع: ظاهراً گزارشی است به شخص بالاتر

تعداد صفحات: ۳۶

تاریخ: در صفحه آخر، دوشنبه، بالسح [به همین صورت نوشته شده است] ششم شهر صفر ۱۲۸۱ هجری مطابق ششم ماه امسال ۱۲۷۱ ممگد [به همین صورت نوشته شده است].

توضیح: کتاب کاملاً فرسوده است و گوشه‌های همگی صفحات خورده شده و از بین رفته است؛ خط کتاب در برخی جاها به دلیل شکستگی خوانا نیست.

اندازه صفحات: ۱۳×۲۰/۵

نوع خط: نستعلیق

آغاز: ظاهراً یک و یا چند صفحه‌ی اول کتاب از بین رفته و جدا شده و موجود نیست.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

کرده درین روز یکبار گنج جان دل خیز گردید
بکار راز و کشف انگیز نگیرد بزم خرد عارفان را

نام شد کار و نظام رسم پانصد و یک و تقفیف
بر نو بیگ بر درم شنبه ماه شش و شصت و سه
مطابق بر شش ماه سال ۱۳۱۱ هجری قمری
آقای قاسم سزای مالک کتاب حضرت کتاب
زاد الرجب مدینه و علم و حکمت و علم و حکمت

و نامش محمد است
نسخه سیزدهم است بیان چهار فصل است
و علم و حکمت چهار رکن و در ضمن آن که در علم و حکمت

P.Č. 1187/35 Pers [اصلاح شد] RII 47

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: کتاب المقاتل

موضوع: کتاب مقتل امام حسین علیه السلام، مجموعه‌ی مرثیه درباره‌ی حادثه کربلا و شام.

تعداد صفحات: ۲۹۲

تاریخ: نامشخص

اندازه صفحات: ۱۸×۲۲

نوع خط: شکسته نستعلیق

توضیح: کتاب فرسوده است.

آغاز:

باز این فغان و غلغله اندر زمانه چیست

این آتش زیان فنا را بهانه چیست

مرغان باغ برده چرا سر بزیر پر

درمانده جمله در طلب آب و دانه چیست

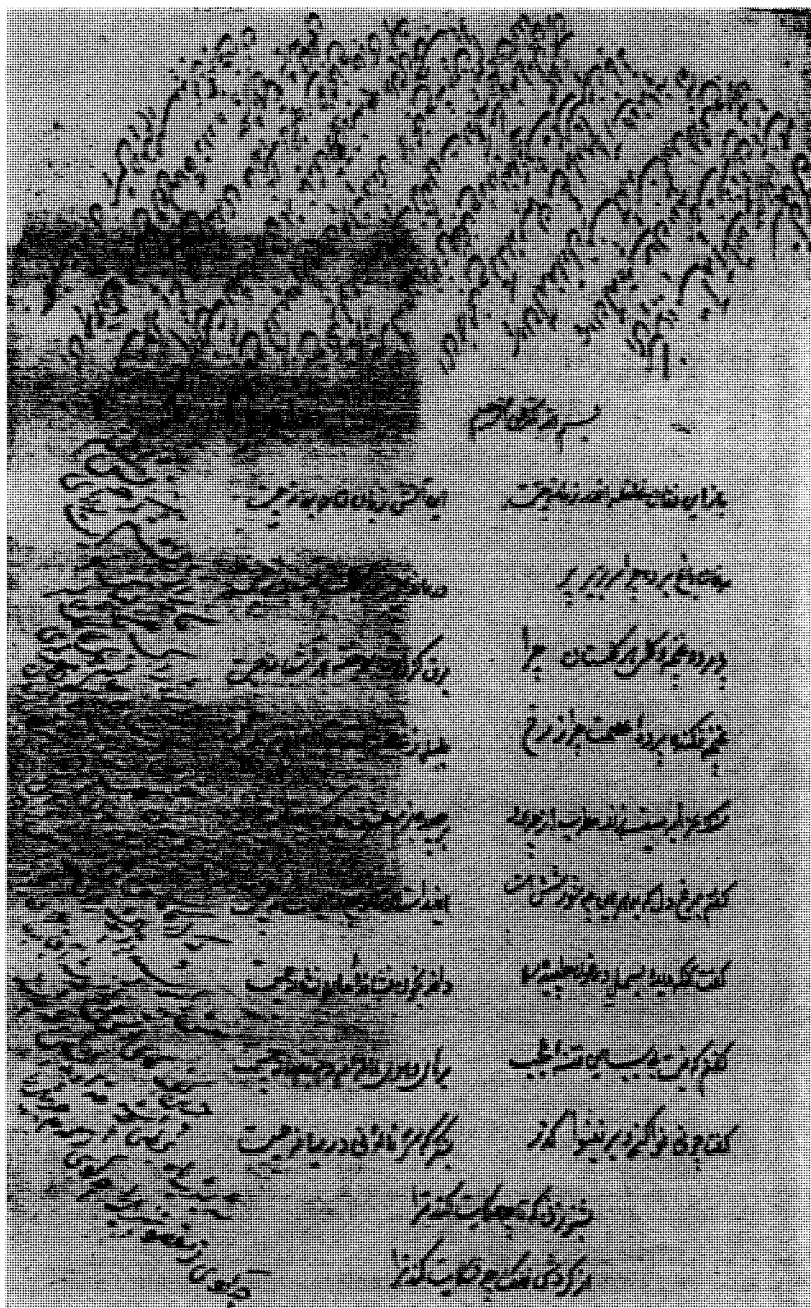
پایان:

شب تاب داده بود بزلفش ولی کنون شد طره‌ی عروس پریشان ز دست تو

توضیح: ۲۵۸ صفحه اشعار و ۳۴ صفحه ضامم به نثر و شعر درباره‌ی حادثه کربلا

و شام. کتاب فرسوده است.

تصویر: صفحه‌ی آغازی و صفحه‌ی اول و دو صفحه‌ی آخر اشعار.



بودم بزم صحرای کبریا امروزه که گشته بخت و زمان مندم
 ز دیو یکی چو رب آنست چو که گفت
 چون از زبان فغانه میگه عروسی گفت
 غلام زن که آن بدمبار زد بخت دل سکنه که بسیار زد
 دست برده و بیدار جان پس گفتم منم که آن کل بخت زد
 بدیش چشم عابد بدارم در سنگدل سخن دل بهار زد
 از دوش بخار جفا بکشی روی غافل از سیه که چون کل کلاه زد
 نیت بطنه گفت بزم ویرانه غلام بر سگاسر چو بزم زد
 بازده گفت این بخت و زلفت تو
 کرد چشم و زهر کریان زلفت تو
 در سنگدل لبش آنسرده زلفش زین شرم آب شد دل بیکان زد
 آخر فغانه مرغ دلم از زبان کش تا که فغانه زد که تو فغانه زد
 در نام بود در نام بگو از کش در زد که تو نام آن زد
 نیت بدمبار بود بر نفس را کون شد ملازم کورسی این زد

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 99 [اصلاح شد] P.Č. 1294/60 Pers

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: لوح نامه، نسب نامه

موضوع: لوح نامه ظاهراً درباره چگونگی نوشتن سه هزار نام خدا است. در قسمت پایانی هشت صفحه اشعار به زبان ترکی است.

نسب نامه در بیان نسب نامه‌ی حضرت نقشبند غوث است.

تاریخ: ۱۲۴۶ (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است).

تعداد صفحات: ۵۷ صفحه، هشت صفحه اول لوح نامه و ۴۹ صفحه‌ی بقیه نسب نامه.

اندازه صفحات: ۱۷×۲۳

نوع خط: نستعلیق.

توضیح: کاغذهای کتاب سبز کم رنگ و در حال فرسودگی است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

لوح نامه: لوح نامه [ی] معظم و مکرم هست هست [همین طور نوشته شده] خانه است هست [همین طور نوشته شده] هشت خانه در بهشت است.

نسب نامه: بسم الله الرحمن الرحيم

در بیان نسب نامه حضرت نقشبند غوث بدان ای سالک طریقت و ای طالب معرفت دانستن این نسب نامه [ی] حضرت شاه نقشبند بقلندران لازم است بلکه دانستن آن مرشد عاملیان خواب است [همین طور نوشته شده].

پایان:

کتب هذا نسخة من مکت الامعضة و سنة ۱۲۴۶ فی شهر القربان [همین طور نوشته شده]

تصویر: صفحه‌ی اول لوح نامه و صفحه‌ی اول نسب نامه و دو صفحه‌ی آخر.

خوش که رب را دوستدارم که اندک
 اینک نیز برده تغییر از یاد صفا
 ابدی میفرماید ای نور دیدم خا طیر
 بود سوختن کیمین کیم و دنیا و آفتاب
 الهی ای دین سکه باینجه بار در سن
 کبندی به سوز اسکر حسین کربلا
 بود که به تخت گداین بر سر گردن ارا
 بخانه یق بر در و شک فریم نور ارا
 بیک ابدی مصطفی ای نور دیدم در خانه
 تخت کیم سیز که در کبر لاد باینجه نورانی منی
 بسم الله الرحمن الرحیم
 در بیان نسب علیه حضرت انوشیروان
 و این بن نسب نامه حضرت انوشیروان
 در ضبط و تدوین عالمی و ان رفقای سالکان
 بیستم از این عالم که هر یک از این کشته طریقت
 بجماعت سقا بقیع و ان سر راه محقق و ان باینجه
 ای در ویش که حضرت شاه انوشیروان
 بن میر سید بر کلمه انوشیروان
 بن میر سید نام میر سید که بن میر سید
 بر کلمه میر سید بر کلمه میر سید

با هم که بر تو شوم به نعمت سیز دین از کلام
 به سجده بایب و در سطره دیدم ابر کلام
 فریاد و غم و خجاست نام سر لوت و کلام
 کورنگ بر بطور قیاسه بنفشه ابر کلام
 به سجده بایب و در سطره ضعیف ابر کلام
 ابر کلام بر تو شوم که در بایب سطره
 سیز لوتی تخت است به بنفشه سطره
 به سجده بایب و در سطره ضعیف ابر کلام
 بنفشه لوتی کلام بنفشه سطره
 سیز لوتی است به بنفشه سطره

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 أما بعد
 فبالحمد لله الذي جعل
 القرآن الكريم
 آية للعالمين
 وبالله التوفيق
 وأستعين به
 ونعم الله
 عليّ
 وآلِهِ
 وسلَام
 وَبَعَثَ فِيهِ
 رُسُلًا
 فِي كُلِّ أُمَّةٍ
 مِنْ أَمْرِ
 السَّاعَةِ
 وَمِنْ بَرَاهِينِ
 مَا جَاءَ بِهِ
 أَنْبَاءُ
 الْمُرْسَلِينَ
 وَأَرْسَلْنَا
 فِيهِ
 الْقُرْآنَ
 بِالْحَقِّ
 وَنُصْرًا
 لِمَنْ حَقَّقَ

بسم الله الرحمن الرحيم

مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 120 [اصلاح شد] Pers 3219/65 P.Č.

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: رساله مبدأ و معاد (در صفحه‌ی اول نوشته شده است)

موضوع: ظاهراً در آداب صوفیه است.

تعداد صفحات: ۱۶۴

تاریخ کتابت: ۱۲۱۴ (به صورت ۱۲۰۱۴ نوشته شده، در صفحه آخر)

اندازه صفحات: ۱۳/۵ × ۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق؛ عنوان بخشها با جوهر شنگرف و متن با جوهر سیاه نوشته

شده است.

توضیح: کتاب فرسوده است.

آغاز: این رساله مبدأ و معاد

بسم الله الرحمن الرحيم، منها قطب ارشاد که جامع کمالات فردینه نیز باشد، بسیار

عزیز الوجود است ...

پایان: مرکب نوشته‌ی بخشی از دو سطر ماقبل آخر از بین رفته است ... خصوص

حالتی که درحین اداء نماز رود ... [خوانده نمی‌شود] اصیل است ... ولذات آن مبنی از

انتها والسلام اولاً و آخراً تمت [به همین صورت نوشته شده است].

تصویر: دو صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č. 1293/60 rkp Pers [اصلاح شد] Hakáje fársi RII

نویسنده: عبدالحق بن سیف‌الدین الترك الدهلوی البخاری

عنوان کتاب: حکایه فارسی (در صفحه اول)

موضوع: (بخش اول) حکایه فارسی رساله‌ای است برای تکمیل ایمان و تقویت ایقان

در بیان عقاید اسلام و قواعد ملت به طریق اهل سنت و جماعت....

(بخش دوم) کتاب گلستان سعدی.

تعداد صفحات: قسمت اول (حکایه فارسی)، ۱۶۰ صفحه؛ قسمت دوم گلستان

سعدی، ۲۱۸ صفحه.

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

اندازه صفحات: ۲۲×۱۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: بخش اول کتاب به خط نسخ و بخش گلستان به خط شکسته نستعلیق

نوشته شده است.

توضیح: تعدادی صفحات هر دو کتاب افتاده است و موجود نیست؛ صفحات اول

گلستان در آخر کتاب صحافی شده است.

در بخش اول نیز نام «حکایه فارسی» ظاهراً بعداً در بالای صفحه نوشته شده است

و نام آن بخش نباید به این گونه باشد. در قسمت آخر کتاب در صفحه‌ی آغازی پشت جلد

به اشتباه نوشته شده «بوستان سعدی». کتاب تاحدودی فرسوده است.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر بخش اول؛ صفحه‌ی اول بخش دوم «گلستان»

(صفحه‌ی اول گلستان به اشتباه در آخر چسبانده شده است).

[illegible]

آنجا که خواص و کرامت اند. و بهشت زده گان عالم تسلیع
نمود مشرک است حق عالمیت بهر و در مشرک خاص گان و دریم
و نیز مکتوبه که در حالت حیات عرف غالب باید و چون وقت
صلت در رسیدن حالش کبر علویت معلوم است و نیست و در
تاخیر را جاکفته اند و مری بدین معنی تواند بود یا اشارت است
بغلیه عرف بر جلال علوی آن الله شد بر العقاب و آن الله

عفو رحیم لکه الحمد که ختم رسال

برزجا و مغفرت و رحمت آمد

عاقبت بخیر باد بحرمه النبی

الهاشمی الابطحی والد

و اصحابه الانصار و اعیان

بر صحتک یا ارحم الراحمین

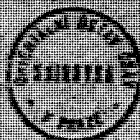
تمام شد این رساله

یا فتاح

بسم الله الرحمن الرحيم

ایست مر خدایم پیرا غم و جل که طاعتش بهیشت
 قربت گشت و شکر اندر شش هزار نعمت
 هر نفس که فرو میرود در حیات و چون برگی
 مفرح ذات پس در هر نفس در نعمت موجود
 است و به هر نفس غمتی شکر واجب است
 از دست زمان که تیراندازد که زخمه شکرش بر آید

قوله



مشخصات ثبت در کتابخانه: RII 82 [اصلاح شد] P.Č . 2822/57 Pers

شاعر: مولوی

عنوان کتاب: جلد اول مثنوی

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم

تعداد صفحات: ۲۰۳

اندازه صفحات: ۲۰/۵×۱۶ سانتیمتر

نوع خط: کتاب به خط نسخ نزدیک به ثلث نوشته شده و فرسوده است.

تاریخ کتابت: ۱۲۱۲ هجری قمری

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و دو صفحه‌ی آخر.

P.Č . 5405/55 RII 73

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: مولوی مولانا جامی

عنوان کتاب: یوسف و زلیخا

تعداد صفحات: ۲۴۴ صفحه

اندازه صفحات: ۱۴×۲۲/۵ سانتیمتر

نوع خط: کتاب به خط خوش نستعلیق نوشته شده و بسیار فرسوده است.

تاریخ کتابت: چهارشنبه پانزدهم ماه اکتوبر بمقام خنجره سنه ۱۷۹۷ عیسوی

بتمامی رسید.

تصویر: صفحه اول و دو صفحه‌ی آخر.

کونرا چشم حیران برد شد
 هر که اجازت عشق چنان شد
 نشان از ای عشق خوشی و نای ما
 یزدای تحت و ناموس ما
 جبر خاک از عشق بر افلاک شد
 عشق جان طو را آمد عاشقا
 بالبدن سائر خود که حقیقتی
 هر که از هنر با نیت شد
 چون که کل رفت و کلان در گذشت
 جمله معشوق و عاشق بر دانی
 چون نیا شد عشق بر دانی او
 من چگونه می‌دارم پیش و پس
 عشق خواهد که سخن هر روز در
 آینه دایه چراغ نیت
 حکایت عاشق ندانم او بر
 بشوید ای دستان این داستان
 بود شاهی در دانی پیش ازین
 اتفاقا شاه روزی شد سوار
 یک کنیز که در دشت به شاه راه
 رخ مانند در قفس چمنی طبعید
 بر سر دریا و در بحر در آمد

ناصد فغان شد بر در نشد
 او ز حرص و عیب کل پا شد
 ای طیب جمله علمت ای ما
 ای نوافلا طو و جالبهوس ما
 کوه در قضا آمد و چالال شد
 طو رست و خرمی صاعقا
 باجو به من گفتن کفنی
 به زبان شد که چه در صد نوا
 نشوئی نلک پس ز بلبل سر گذشت
 نند معشوق و عاشق مراد
 او چون هر چی ماند به پروای او
 چون نیا شد شوهر یارم پیش و پس
 آینه غمازین در چو نیت
 نلکه شکار از خوش متان نیت
 کی و درین بار شاه آن کنیز کرا
 خود حقیقت نقد حال استان
 ملک دنیا بودش و هر ملک دین
 با خاص خوانش از بهر شکار
 شد غلام آن کنیز که جان شاه
 در دال و آن کنیز که از پید
 آن کنیز که از قضا بهر آمد

نقش حق را هم با مهر حق شکن	برز جاهد و دست کند و دست زن
کبر این بشنید و فوری شد بدید	درد دل و تا که زناش برید
گفت من تخم جفای کاشتم	من ترافع در کیندا شستم
تو تراوی احد خوب بود	بل زبانه هر تراز و بود
تو تبار و اصل خیشم بود	تو فروغ شمع کیشم بود
من غلام آن چراغ چشم جو	که چراغتش در کشتی بدرقت ازو
من غلام موج آن درای نور	که چنین کوهر برادر از ظم و نور
عرضه کن بر من شهادت و اکرم	مر ترا دیدم سرفراز و من
قرب پیچه کس ز خویش و قوم او	عاشقانه سوی ین کردند و
او بتبع علم چندین خلق را	و از بد از تبع چندین خلق را
تبع طم از تبع آهن یزتر	بل رصد لشکر ظفر انگیزتر
ای دریغا القمه در خورده شد	جوشش فکرت از آن افسرده شد
کند و می خورشید آدم را کسوف	چون زنب شمع بدری را کسوف

اینت اطف دل که از نیک مشک کل
 ماه او چون میشود پروین کل
 نان چو معنی بود خورش سوز
 چونکه صورت گشت انکیز حور
 همچو خاد سبز که شتر میخورد
 زان خورش سبز بش رفت صدغه
 چونکه آن سبز شرفت و شک گشت
 چون هزار میخورد شتر زدشت
 می در اند کام دلنجی ای دریغ
 کا چنان ورده مرتجی گشت تیغ
 نان چو معنی بود آن خار سبز
 چونکه صورت شد کنون شکست و کبر
 تو بران عادت که او را پیش ازین
 خورده بودی ای وجود نازنین
 همان بو میخوردی این خشک را
 بعد از آن که میخت معنی باشر
 گشت خاک امیر خشک کوشت بر
 زان گیاه اکنون پرهیز گشتی
 سخت خاک آلود می آید سخن
 آب تیر شد سرچه بند کن
 تا خدیش باز صاف و خوش کند
 او که تیر مکرده هم صافش کند
 صبر آرد و زورانی شتاب
 صبر کن و الله اعلم بالصواب

قد شیم هذه النسخة المبادیة الشریفة
 عن يد النسخ ابراهیم المولوی
 ۱۴۱۴ هـ

بسم الله الرحمن الرحيم

کلی از ره قفسه جاوید بنیادی	الاهی غنچه امید بکشد پای
دزین گل عطر پروار کن و ما غم	بخند ان از لب آن غنچه با غم
بر نعمت بای خویشم کن شکرها	درین محنت سرای بی بی مویسا
با براسنایش پیشش گردان	ضمیمه را سپاس اندیشه گردان
بر انیم سخن فایده و زیم بخش	ز تقویم خرد به زود نیم بخش
زین دل زبان را کن کهر سنج	ولی دادی ز کوه کنج بر کنج
معطر کن ز مشکم نواف تا شفا	کشادی نافه طبع مراناف
ز عطر نامر عطرشان کن	ز شوم خام را شکر زبان کن
وزان نامه بحر نامی نماند است	سخن را خود سر انجام نماند است
نمی یابم صدای زان ترانه	درین خمخازه شیرین فسانه
تکی خمخانه با کردند رفتند	حایان باد با خورند رفتند

نه بینم پنجه ز زمین بزم خانه
بیا جاجی بر ما کنی شرمساری

که باشد بر کفشش زبان باد و جا
ز صاف و درویش آنچه دارد

بنام آنکه نامش خرد جانهاست
زبان در کلام کلام از نام او است
خرد را ز و نموده دم بدم روی
چی بر آن مودت بان را شده کرده
تعالی اندر می قیوم دانا

ستایش جوهر تیغ زبانه‌هاست
نم از سر چشمه انعام او یافت
هزاران نکته بار یکت چو تو هست
ز دند این شده را دندان کرده
تو انامی ده همه را تو انان

فلک را انجمن افسر و ز انجم
هر تب سار شغف از جرح دایر
بنیاد غنچه گل را تانف سپوند
نصب بانف عروسان بهار
بلندی بخش مهر هست بلندی
کنه آفرین رندان قدح خوار
انیس خلوت شب زنده داران
ز بحر لطف او ابر بهار
ز کان جو باد و خزان
کند فرسوس را ز زخم زبانی

زمین را زبیب انجم ده بر دم
فرز چار دیو در عنا سر
ز کل بر شا هر گلین طلی بنده
قیام آموز سر دی جوی باری
بپستی افکنی هر خود پسندی
بطاعت کبر پیران ریاکار
رفیق روز در محنت گذاران
کند خار و بنه بر باد و بار
کند فرسوس را ز زخم زبانی

سخن را در دماغ اودی نمایی بام زرش زبان کیشای جایی
 سبکباری کن چون غلغله بشو از چشم پر خون نامرغوش
 ازین سحر اورد ایمان خاموش کن دوزخ سودا سودا نامرغوش کن
 زبان را کو شالی خاموشی
 کو است از هر چه گویم غلغله

تمام شد سخن خوش بر نیکی تصنیف مولوی مولانا جانی بر دوزخ
 تاریخ: پاییز ۱۳۰۵ هجری قمری بمقام خیر و عیال. بمقام خیر و عیال رسید ۵۵

P.Č. 1105/35 Pers Diván - i háfiz RII 68 مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

نام کاتب: نامشخص

تعداد صفحات: ۴۳۲

توضیح: کتاب شامل غزلیات و مثنویات و رباعیات است. کتاب در حال فرسوده

شدن است.

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۵ سانتیمتر

نوع خط: شکسته نستعلیق

تصویر: دو صفحه اول و دو صفحه آخر.



[illegible]

که چون من افتاده ام تو ایستاده ای
ما عاشق رست عالم کو ز بیم

بر دل غم دور کانه کی دارم
اسبابش بی طلب و باری کیست

کردیم دل و پیر و ی نفیست
از خویش خبر داخه هرگز نرسی

خیمت که فنون و زکسی می یار داند
بس رود ملول گشتی از محققان

چندین غمت بیکه گزینشست
تا خنجر تو درین مسد فتوی چه دین

ای آنکه نهد عید و ماه از بزمین
بر آتش خاک تو شب روز و بین

ایام شبایت خراب اولیتر بر خمر ده با جایت باب اولیتر
 عالم همه سر خرابت خراب در جای خراب هم خراب اولیتر

از خمر نه توت در خرابت دلم زازوی عینت در حجابت دلم
 زان روی که آن روی همه زکرت در الت عشق تو کدایت دلم

حافظ ورق سخن کند روی طعن وین خانه تزویر بای بیکن
 خاموش نشن که وقت خلوتی دم در کش و جام عیش را بر می کن

نیمت الکتاب
 بیون الملک
 الوهاب

P.Č . 3530/kk II 17131

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد بن فتحعلی لواسانی

عنوان کتاب: نامشخص؛ مجموع چهار کتاب است

تاریخ کتابت: در بخش آخر آمده: جمادی الثانی ۱۲۶۴ دارالخلافه طهران در هنگام بیکاری.

موضوع: مقتل و حکمت و معارف دینی.

کتاب اول، در مقتل و حکمت های خداوند و پیامبر.

کتاب دوم، اشعاری در موضوعات مختلف.

کتاب سوم، مجموعه ی شعر.

کتاب چهارم، از کتاب گنجینه ی معتمدالدوله مبنی بر مراسلات رقعہ جات.

تعداد صفحات: ۲۴۰ صفحه

اندازه صفحات: ۱۵×۲۱/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب چهارده صفحه مقدمه به نثر دارد و می گوید که برای نشاطی خان میرزا

بابا نوشته شده و تصویر نقاشی او را در صفحه ی اول کتاب ارائه داده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

برخواست باز ناله کز و بیان همه از عرش و فرش و عرصه کون و مکان همه

تصویر: صفحه ی اول، وسط و آخر و دو صفحه ی اول کتاب چهارم.

باز چو پستیز زینب محمدت باز چو محمدرزغم فروزند مجددا
 آن کجای کاوه و سر زنده برین غامان بنیادش اولیت احسن
 در بیان آنکه روزی که عالم را ایجاد کردند عهد را
 برای خلق ایجاد نمودند مخصوص ائمه الهام بود
 روزی که ما برای خدایین قصاص زان بهلر پنج دشت از فراش
 نداشت نیم سطر در آستان که صد هزار سطر داشت از طاب
 پس خط خون حق این شکوهان بر لوح افرویش ازین سماوات
 خط و شکستند از آن شکسته اندر اعدا عزت شکست عدا
 خطی و شکستن فرق برین در کوچه بزم عجم دون فایست
 خط و شکستن بهلری عالم در فقط شکستن از دیر چراغ
 خط و شکستن که زده اسما در راه اندر شهادتین محنتی داشت
 خطی و شکستن بزم کسپاده در کشتن زمین سر ازین چراغ
 غامان غامین دشمنش اوین فرخ برادر حسن محنتی حسین
 در بیان دشمنان وین بیلیدان شام غم و غم لشکر خاتون کربلا
 عرفای معصوم بر ایل در یا صیحه شهر بریل در سیه
 با آنکه شد بلند زادم که آریا قابل به کشتن ثامن در سیه

وچ چارم از کتاب کج نموده الله و تعالی الهیه بنی بربر و سلامت در قه جات

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس می گویم و ستایش می برم آغاز نیانازی را که هستی را بنیستی
آورد و هستی را به هستی پرورد و هستی را به هستی پرورد و هستی را به هستی
پادشاه و پادشاه که در دستش خلقت را بر او تو حید فروغی بخشید
که گشت اسراج بحر و جود او را یک کالی می پرستم نه چنانکه گویند یکیت و در نیست چنین
گویم تویی و جزو نیست احد صدم بدو لم یولد خود داده خدای یگانه که از خیری پروردان آمد و در
پروردان است یگانه از انزلت یگانه تا بد است چه روزان و چه در صفات و احد احد
لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله لا اله الا الله
تا بقض و بسط الله عقده در عقده و ج اندر ج خیر کی رشتن ج اندر ج

خدا بنده عاجز و کمزیر توبه از تقصیر خود می ستروم گردونه دگر بر تقدیر تو بگردانم از انبیک
می که در کتاب ذریع کز طبع خود بقض خود رجوع نترسم که در روی تو به که رجوع نترسم
نترسم

مشخصات ثبت در کتابخانه:

R91 [شماره ثبت در فهرست کتابها دیده و یافته نشد] [نامشخص است] 3531/3rk

شاعر: زینب النساء بیکم بنت شاه عالم کبیر

عنوان کتاب: دیوان مخفی (در صفحه‌ی آخر نوشته شده است)

تاریخ کتابت: نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۱ هجری روز شنبه.

کاتب: اکرام علی

موضوع: غزلیات و دو صفحه آخر رباعیات

تعداد صفحات: ۱۹۶

اندازه صفحات: ۱۷×۲۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق شکسته

آغاز:

ای ز ابر رحمت خورم [خرّم] گل بستان ما

گفتگوی حرف عشقت مطلع دیوان ما

پایان:

آیا چه درد بود که چون من تمام شب سر را به سنگ میزدی و میگریستی

توضیح: کناره صفحه‌ی اول ترمیم شده و کناره‌های صفحات آخر در حال فرسوده

شدن است.

تصویر: صفحه‌ی اول و دوم و صفحه‌ی آخر.

الحکم این رسم

ای زهر دخت خرم کجاست
کشتوئی بر وقت طبع و بلوغ
مهری ناله‌ی کوز شوق و عاشق
نشته خون عجب بر پندار ما
دست که بر کشتی فدا کرده
میدارد زلف و غری و جگر و جان ما
کز ناله ناله در بندگی و نواز
چون سبزه شکر و دیو و زان ما
قطره اشکی بود بر ما با و کبر
سکه عدل و شد بر سر کمان ما
در کشیابی خبری اید بلایه و کلاه
ز غنای در میان پند و این مدد

کز ظلمت پیش سر بر روی قدم
ره نیاید خضر سوزی چشمه عین

ای بنو قاصم و جرد اصل و جود
دی زنده و دشمن چراغ کو بر حضور ما
چون غیر طریقه کینا زار و عفت کرده
سیم قطره‌ای بر کوه و حصار ما
خواه در طوفان غم غرق و خواه در بار
بر کما عجب کبی که نوری معبود ما
ناله ناله سوز کلامی که غیر از دود و آه
نیت ممکن خست و استغفار ما

خشی ز سبزه اشک سوز جگر

شعله صبر زور و راه و راه و راه

نابین چنانکه نواز و نعت علم را
کبرفت اقبالیم و باب و عجم را

بخوان

بگفتند ز غم و غم و غم و غم
مانند خط و خط و خط و خط
شمار یک جهان و یک جهان
در راه تو ز غم و غم و غم و غم
شده و ز زبان تو که تو مرغان حرم
نار و سار و سار و سار و سار
اسان ندیم گفت و گفت و گفت و گفت
بر سر خار یکی که نهاده ایم قدم را

هر روز اسیر حرم راه ندوند

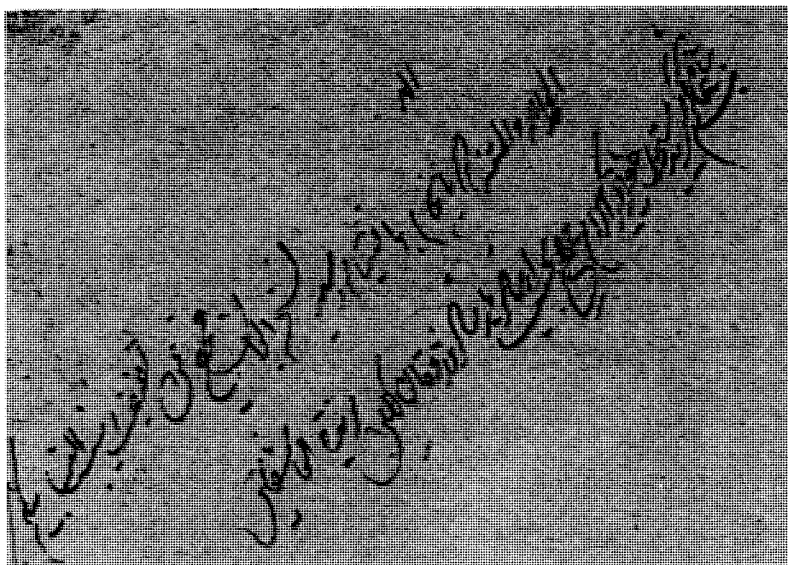
محاسن و محاسن کن آرد ای حرم

ایداغ بر دل ز غم و غم و غم
دین تو ز غم و غم و غم و غم
از کجاست که کجاست و کجاست و کجاست
تا به ز غم و غم و غم و غم
بیم و غم و غم و غم و غم
چون مادر است که غم و غم و غم و غم
ای که غم و غم و غم و غم
بیم و غم و غم و غم و غم
چون مادر است که غم و غم و غم و غم

ای که غم و غم و غم و غم

بیم و غم و غم و غم و غم

چند توان شد که غم و غم و غم
شب و روز غم و غم و غم و غم
دین و بار غم و غم و غم و غم
بر سر و غم و غم و غم و غم
چیز و غم و غم و غم و غم
ای که غم و غم و غم و غم
بیم و غم و غم و غم و غم
چون مادر است که غم و غم و غم و غم



مشخصات ثبت در کتابخانه:

RII 78 بدون عنوان در فهرست [اصلاح شد] Pers 2816/57 P.C.

شاعر: قسمت اول: نامشخص.

عنوان کتاب: پندنامه، قسمت اول، کتاب شعر، ۷۴ صفحه شعر مثنوی به وزنهای مختلف (در صفحه آخر، نام کتاب را آورده است)؛ قسمت دوم: مهمات المسلمین.

تاریخ کتابت: نامشخص.

موضوع: بخش اول کتاب، شعر بر وزن مثنوی در بیان فقه، احکام دین، اخلاق و رستگاری است؛ بخش دوم، فقه.

توضیح: کتاب دو بخش دارد، بخش اول ۷۴ صفحه مجموعه‌ی قطعات به شعر در وزنهای مختلف مثنوی درباره اخلاق و رستگاری است؛ بخش دوم در ۲۷۸ صفحه.

در باره‌ی موضوع فقه که از چهار خلیفه اهل سنت روایت شده است.

تعداد صفحات: بخش اول شعر ۷۴ صفحه، بخش دوم ۲۷۸ صفحه.

اندازه صفحات: ۲۵×۱۵/۵ سانتیمتر.

نوع خط: نستعلیق

آغاز کتاب شعر:

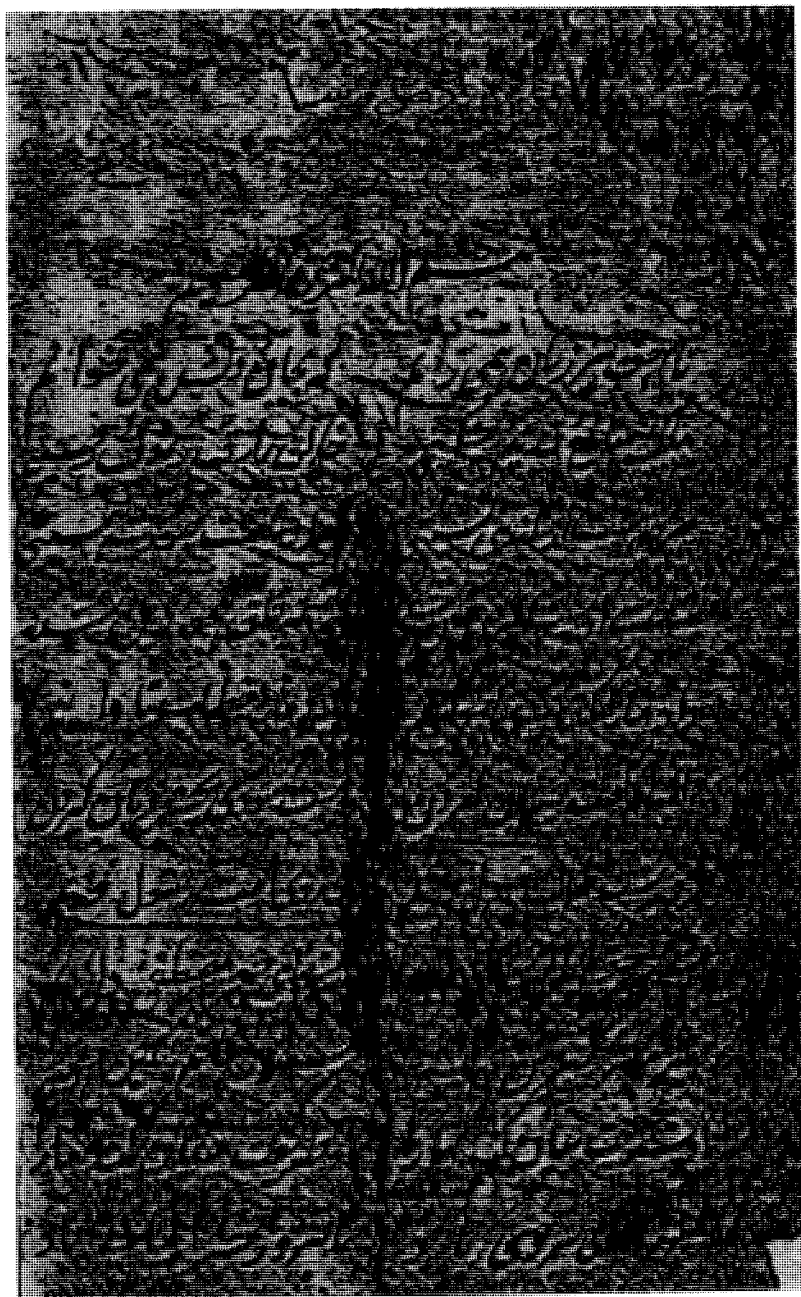
نام حق بر زبان همی رانم که بجان و دلش همی خوانم

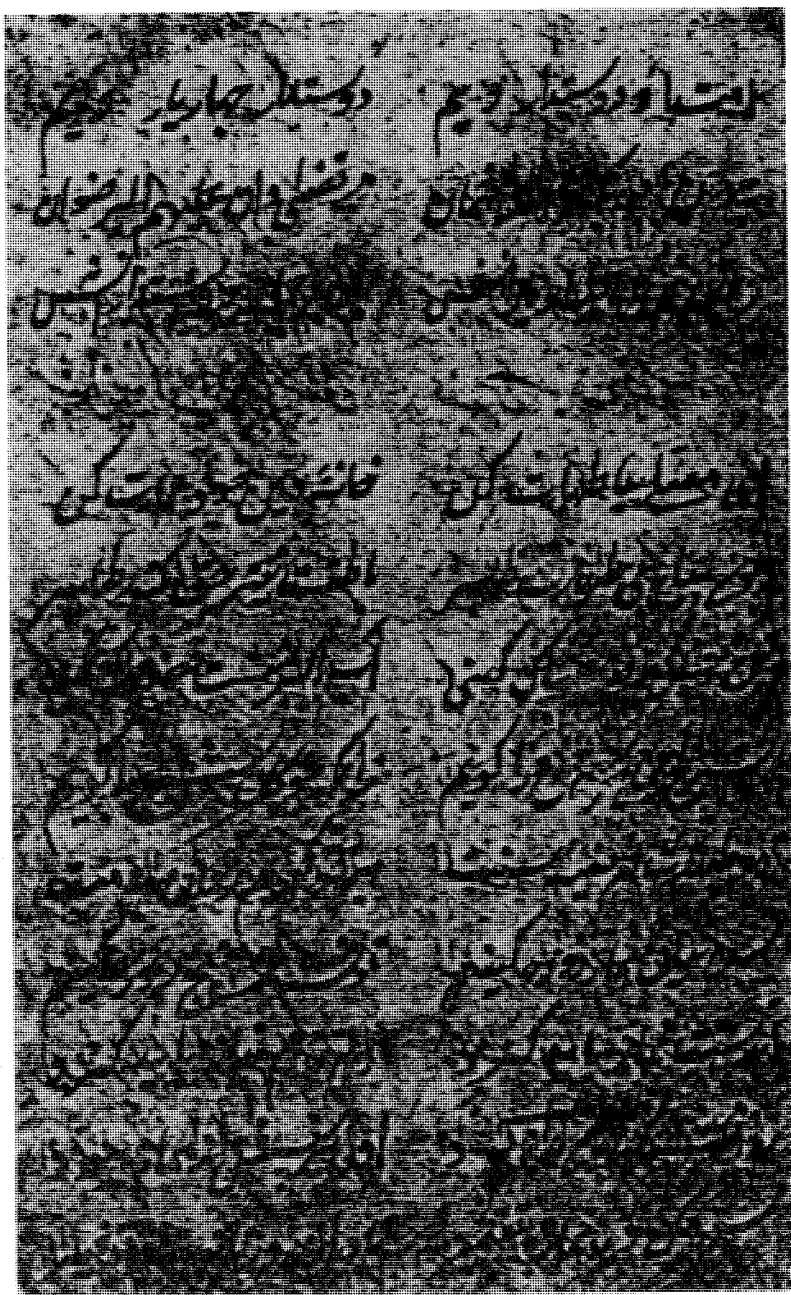
آغاز کتاب مهمات المسلمین: بسم الله الرحمن الرحیم

قال النبی علیه السلام طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة ...

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی دوم و صفحه‌ی آخر قسمت اول و آغاز بخش

دوم کتاب.





بنشیند جان پشیمان بپرسد
 جانب ظالم بکن میلان عین
 وکیل پشیمان غیب تو نیز
 ناکه خلق از ارشد ناخوش است
 در حرم ناموس می برم شود
 در شین پشیمان طالع انوش
 اصلای کبریا کبریا شرع را
 در غلات انوش روح و کلم
 از غلات باطلات می شود
 در خانه موی نشسته و کس
 از غلات آخرت بپرسد عین
 در شین پشیمان طالع انوش
 با کبریا عین پشیمان
 در شین پشیمان طالع انوش
 در شین پشیمان طالع انوش

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 1293/60 Hakáje fársi RII 98

نویسنده: عبدالحق بن سیف الدین الترك الدهلوی البخاری
عنوان کتاب: بخش اول رساله‌ی تکمیل الایمان و تقویة الایقان؛ فقط یک صفحه
باقی است.

تاریخ کتابت: نامشخص.

کاتب: نامشخص.

موضوع: بخش اول: بیان عقاید اسلام و قواعد ملت به طریق سنیة اهل سنت
و جماعت؛ بخش دوم: گلستان سعدی.

توضیح: کتاب سالم اما کهنه است، صفحه اول کتاب از کتاب تکمیل الایمان است.
بخش بعدی در احکام دین و بخش آخر، گلستان سعدی است. گلستان سعدی از طرف
چپ نوشته شده است؛ قسمت آخر گلستان ظاهراً موجود نیست.

تعداد صفحات: نامشخص

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۳

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز کتاب اول: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، السلام على سيد
المرسلين و امام المتقين و خاتم النبيين محمد و آله و اصحابه و اتباعه اجمعين هداه طريق
الحق و محى علوم الدين. اما بعد می گوید فقیر حقیر اضعف عبادله الله القوى الباری
عبدالحق سیف الدین الترك الدهلوی البخاری ...

پایان کتاب اول: ... ختم رساله بر رجاء مغفرت و رحمت آمد. عاقبت بخیر باد بحرمة
النبي الهاشمی الابطحی و اله و اصحابه الامجاد اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین تمام
شد این رساله.

تصویر: صفحه‌ی اول، یک صفحه از وسط و صفحه‌ی آخر.

باید طلبید و الله متوفی در جوار رحمت وی سبحانه در دنیا بفری در بیدار
 در قول است و اسناد ابو القاسم قطری صاحب رساله فومره است که قول صحیح
 عدم جواز است و این سخن در جوار رحمت است و لیکن عدم وقوع آن
 متحقق آن مرغبان حضرت در شب معراج متفق علیهم است و اجماع محدثین
 و فقهای معتکفین و مشایخ طریقت است که اولیاً را حاصل نیست و تعرف
 میگویند هیچ یکی مشایخ را ندیدیم که ادعای آن کرده باشد و هیچ یکی حکایت
 آن بصحت رسیده طریقه مجاہدین که این بزرگ است و مشایخ
 اتفاق دارند بر تفصیل مدعی آن و مکتوب وی بدفعه که ادعای آن خلاصت عدم
 معرفت حق است و بر کاین مدعی کند تحقیق خدا را خدا باشد و شیخ
 علامه ابن عربی در شرح تعرف میگوید که اگر کسی معتقد بصلحت رسد
 تا و بدش باید کرد و در کوشش مذکور است که معتقد بودن بر دیت الهی چشم
 مرغبان حضرت صلی الله علیه و سلم غیر مسلم است و او در حلی در کتاب

آنکه از خوف و کرم اند و بهشت زده‌گان عالم تسلیم
 نوید مشو که رحمت حق عام است به غرور مشو که خاصگان و بیم تنه
 و نیز مگویند که در حالت حیات غرق غالب باید و چون وقت
 رحلت درسد رجالتش آید علامت سعادت اینست و در
 تاخیر رجالتش اندر مزی بدین معنی تواند بود یا اشارت
 بقلبه غرق بر جا اعلو ان الله شری العقاب و لا الله
 غفور رحیم لکه الحمد که ختم رسام
 بر جا و فقرت و رحمت کند
 عاقبت بخیر باد بحرمه النبی
 الهاشمی الابطحی و الله
 و اصابه الامیر الامینی
 ملائکه یا ارحم الراحمین
 عالم نرانی و الله

مشخصات ثبت در کتابخانه: RIII 26 بدون عنوان P.Č. 2813/57

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: بیان احکام عملی دین به نظم

توضیح: کتاب در حال فرسوده شدن است؛ اما نوشته‌ها باقی است. حاشیه‌های اوراق اول و آخر کتاب از بین رفته و ترمیم شده است.

تعداد صفحات: ۵۰۸

اندازه صفحات: ۱۷/۵×۲۶

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بیحد ثنای بی‌اعداد بخدایی که نور ایمان داد

غافر است و رحیم و رحمن است پاک از عیب شرک نقصانست

پایان:

چونکه امت عجب پریشانند پیای تا سر غریق عصیانند

گفت حق احمدا تو می‌خواهی هر کسی را نباشد آگاهی

من همی خواهم ای شریف جمال هم تو آگه نباشی از اینحال

تمت الکتاب بعون الملك الوهاب.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

P.Č. 2812/57 RIII 25 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: عبدالله بن محمد بن شاه‌اور الاسدی الزّازی (در آخر کتاب آمده است)

عنوان کتاب: مرصاد العباد

تاریخ کتابت: دوشنبه اول ماه مبارک رجب ... سال بر شش صد و بیست از هجره
رسول علیه الصلاة والسلام (در صفحات آخر کتاب آمده است)

موضوع: معرفت و تربیت به آداب دین

تعداد صفحات: ۲۵۰

اندازه صفحات: ۲۶×۱۶ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: نوشته‌ها خوب باقی مانده و اوراق سالم است هرچند که کهنه است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلوة على نبيه وحببيه
محمد وآله اجمعين حمد بيحد و ثنای بيعدد پادشايی را که وجود هر موجود نتیجه [ی]
وجود اوست و هر موجود حمد و ثنای وجود او می‌گوید ...پایان: تمت الكتاب المرصاد العباد بعون الملك المنان فى التاريخ ۱۲۷۳ ثلث
وسبعين [و مأتین] و الف من هجرة النبوة المصطفوية صلى الله عليه وسلم على يد العبد
الفقير الحقير الضعيف النحيف عبدالقادر ابن ملامحمد صالح بخارى غفر الله لهما ولجميع
المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات برحمتك يا ارحم الراحمين تمت تمت.

تصویر: صفحه‌ی اول، صفحه‌ی آخر و پیش از آخر.

اوراق این کتاب ۳۱
جزءه بیست و نهم اوراق

و از خدا عالم کرم بریم چنان کن که غنی کرم از زمین دعوی بشمار
چونکه کتاب یاد ازین جنس برای حقیرت نوشته ام
همین معنی پند از عاقلیت یادش که حفظ در ویش ترا
ببین از رضا بگو و محفوظ کن از دیر زلات قدم غفلت
و بیقوات قدم و حکم یاد رخ عفو و کلام کشاند و آنرا از جمله
کلام المشاق البکری و الماری و انداختن کتب مبارک و باری
دعای منظم که در باغی یارب تو مرین سایه نیردانی را بکند
بدین جهان جانیانی را اندر کشف عاقلیت خویش بدر
ان صلی بفرست ستمانی را و الحمد لله رب العالمین و صلی الله
علی محمد و آل و اصحابه اجمعین الباقیین الکابرین مثل الکتاب
المرموم و العباد و بیرون المسکال فی التاریخ ستمانه اثنت و عین
و الف من حیره النبویه المطفوفیه علی التدریس و ستم علی العبد
القیصر الحقیر الخجیف الخجیف عبد القادر ابن لا محمد صالحی ری
خیر الله لهما و لجمع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات

نصف بر جملک ارجع الراجح

P.Č. 2811/57 RIII 24 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: مفتاح الجنان

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: در احکام دین و دعاها و اعمال

تعداد صفحات: ۵۵۶

اندازه صفحات: ۱۹×۲۶ سانتیمتر

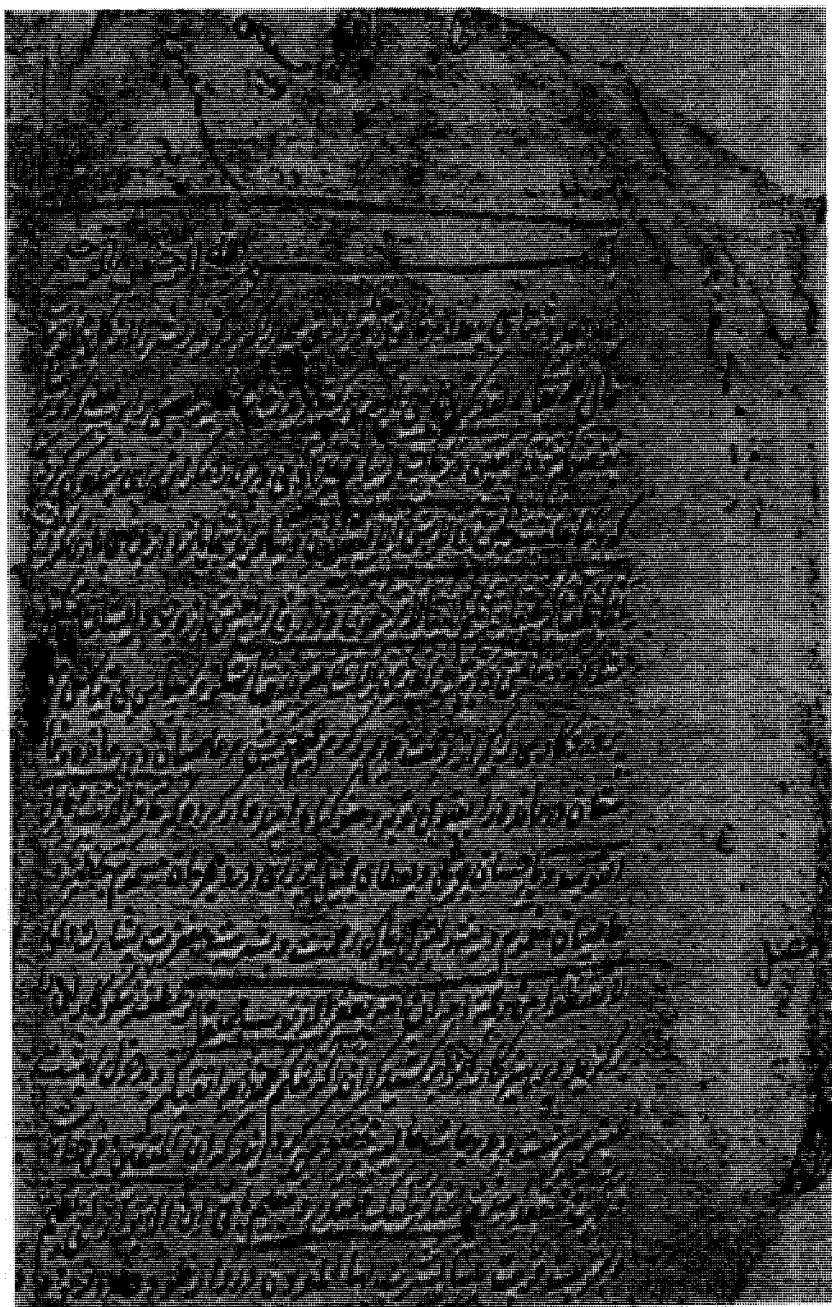
نوع خط: نستعلیق

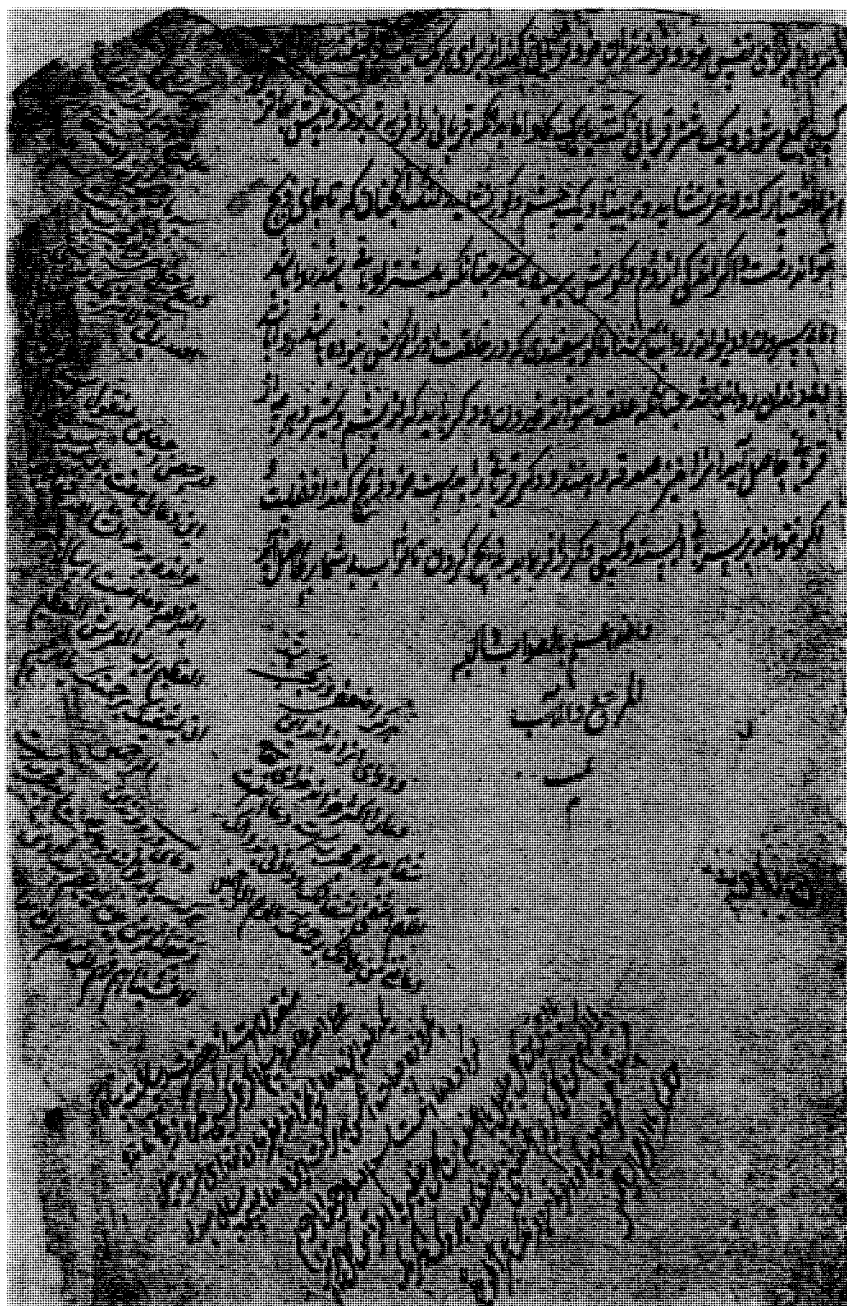
توضیح: متن کتاب سالم اما حواشی صفحات فرسوده است؛ برخی صفحات از بین رفته و برخی در حال از بین رفتن است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بیحد و ثنای بی‌عدد مر خالق احد و رازق صمد را که برگزید بشر را از کل مخلوقات ...

پایان: ... اگر نتواند بر سر بانی ایستد و کسی را فرماید بذبح کردن تا ثواب بی‌شمار بحاصل آید و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب تمت.
تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.





1782/95 K RIII 37

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: صائب تبریزی

عنوان کتاب: دیوان صائب تبریزی (در دیوان، تخلص گاهی به صورت «صایب»

نوشتته شده است)

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات تغزلی منظوم

تعداد صفحات: ۴۴۴

اندازه صفحات: ۱۶×۲۵/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: اوراق کتاب سالم، اما چند صفحه اول و چند صفحه‌ی آخر در حال فرسوده

شدن است.

آغاز:

اگر نه مد بسم‌الله بودی تاج عنوانها نگشتی تا قیامت نوخط شیرازه دیوانها

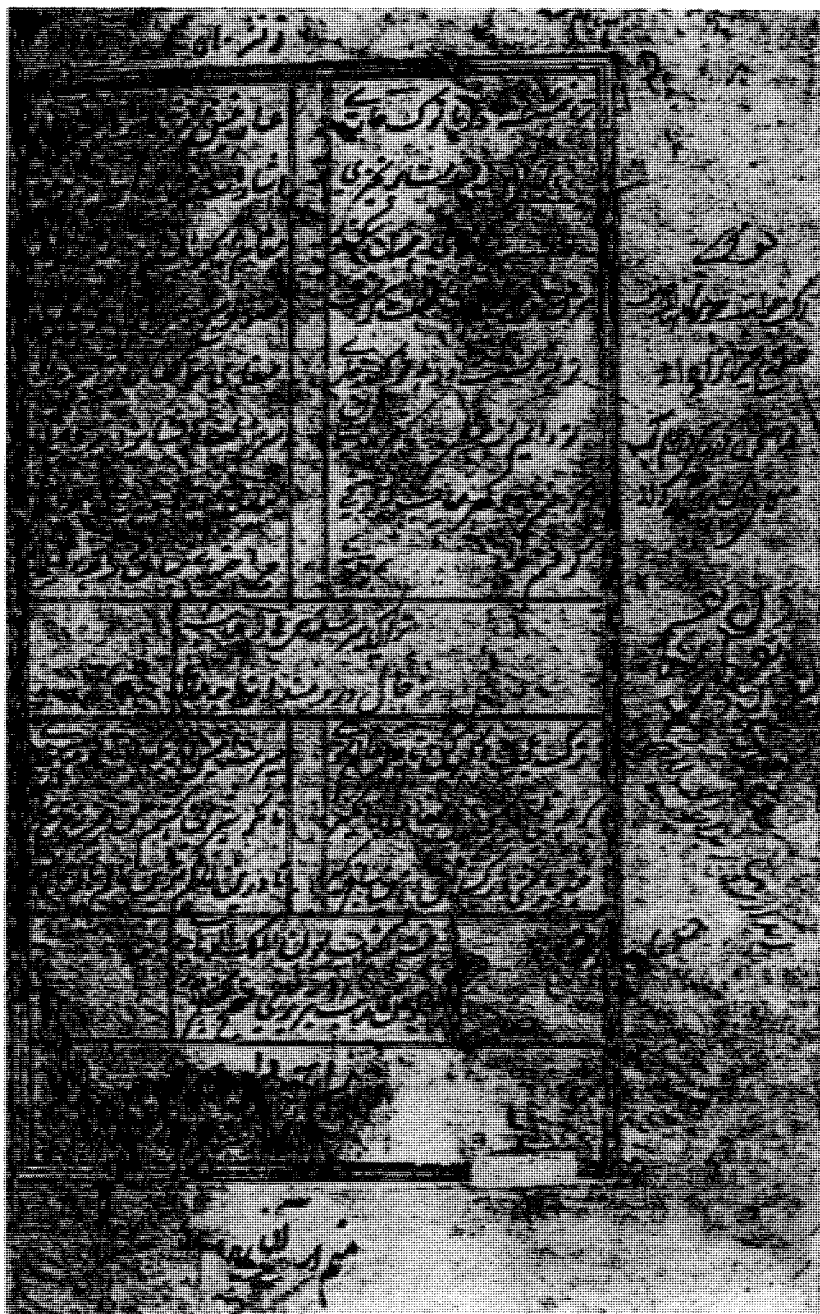
پایان:

چند باشی در کشاکش دامن ساقی بگیر

تا در این عالم از این عالم به آن عالم شوی

تمت الكتاب بعون الملك الوهاب دیوان صائب تبریزی افصح المتکلمین.

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.



P.Č. 5682/60 RIII 30 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: خسرو (تخلص)

عنوان کتاب: دیوان غزلیات

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات تغزلی منظوم

تعداد صفحات: ۴۱۶

اندازه صفحات: ۲۹×۱۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب در حال فرسوده شدن است.

آغاز:

کرم تست عذرخواه همه

ای به درماندگی پناه همه

پایان:

گویند دوست وعده‌ی شمشیر می‌کند

آن بخت کو که یابم از این سان سعادت

عشق آتش است خسرو اگر سوزدت مرنج

دانی که آتشی نبود بی حرارتی

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

ای بخت ماندگار پناه	کرم منت غدر خواه
قطره زاب رحمت تو بس است	شستن نثار سیاه
کردن بسین در روان من	شرف بکر کلاه عمر
به طغیان عدو قبولم کن	ای آسمن و آله عمر
زبان در می بر مرا که در نورم	ای بسوی در تو راه عمر
که نامم ز تو در ترقی کسی	عفت افزه تو تر از گناه عمر
سر و از تو پناه می جویم	ای پناه من و پناه عمر

ای باد رخ بر من ز روی اشک	ای دیده که سوداگر نمی بینی این خاک
ای دیده که رخسار منی می خوانم	ای جان من بستان ز غم ناول در این خاک
ای ز تو خون بر گشته ای نیم در خاک	کاش که درین خون توانی ای آستان

و اینی بس بر دم کبر پات برم بر می تمام کردان محکم بر نیم نزاری

ای جان بدگشته که بادم کنش هیچ فریاد که جانم لب آمد ز بدای
بی دیون آن دوی بگویم بگردنم یارب که تو این روز کی راتهای
هر شب نم و خاک هر کوی تو تار و ز ای روز و شب اندر دل خرو و تو بک

بگره ترا به پیش تو بسیرم من پیش این غم عالم از دست
بخون کشیده باشی گردن من پیش ای تاب منی بچاره ترا زوی

گویند دوت و عده دشمن میکند آن بخت که گویام ازین سان دل
شش آتش خرو و اگر سوز دت هیچ دانی که از من نبود بی سر آری

P.Č. 1420/63 RIII 32 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: مجموعه التواریخ (در صفحه هفتم کتاب آمده است)

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: تاریخ هند

تعداد صفحات: ۶۱۸

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۲۸/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات کتاب در حال از بین رفتن است؛ حواشی صفحات خورده شده است.

آغاز: حمد بیحد مر خالقی را سزااست که به قدرت کامله‌ی بی‌نهایت خویش به ایجاد بنیاد هشتاد و چهار لک نوع ذی‌حیات و به انواع صنایع بدایع پرداخته است ...

پایان:

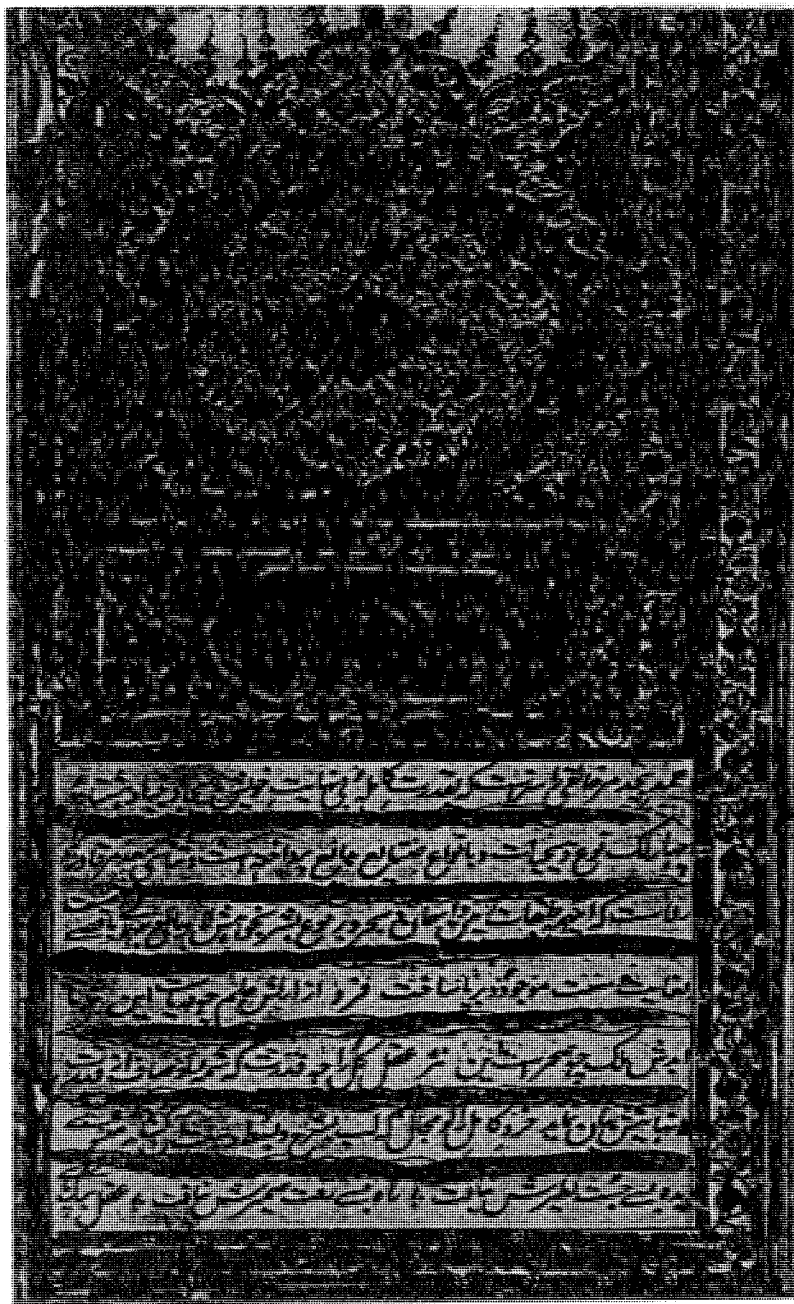
فیض‌بخش رای بیضایت چو خور پر نور باد

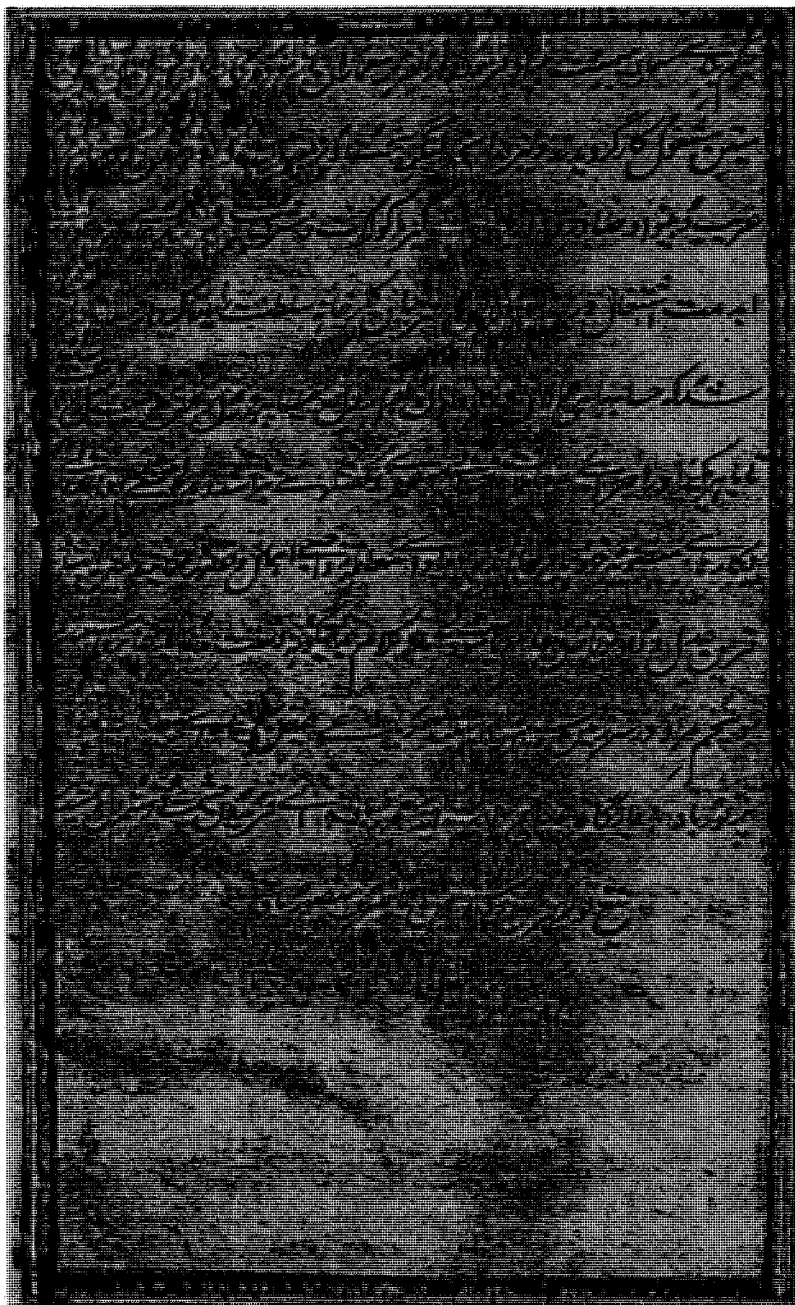
بارگاه عدل و دادت تا ابد معمور باد

ای فریدون حشمت ورستم دل و جمشید فرّ

تیغ تو بر فرق دشمن ناصر و منصور باد

تصویر: صفحه‌ی اول، صفحه‌ی دوم و صفحه‌ی آخر.





شاعر: بیدل

عنوان کتاب: دیوان بی‌دل [به همین صورت نوشته شده است]

تاریخ کتابت: سنه ۱۲۶ (احتمالاً ۱۲۰۶ صحیح است)

موضوع: غزلیات

تعداد صفحات: ۲۷۶

اندازه صفحات: ۱۶×۲۵/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب نسبتاً خوب مانده است

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

باوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا

سر موئی کراینجا خم شوی بشکن کلاه آنجا

پایان:

از واجب و ممکن ————— علما باخبرند

درویش و فضولی بیت الله الله [همین‌طور نوشته شده است]

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

بسم الله الرحمن الرحيم

باوج کبریا که بهلولی عجز است راه آنجا
 ادبگاه محبت نازش نمی برنید دارد
 بیاد حفظ نازش سحر خیز است هر جا
 مقیم دشت الفتش خواب ناز ملک
 بعضی غریبش بود ز آتش و دود و دشت
 خوشتر بود و فکر خجسته اظهار می کرد
 نظر ز شرب عشق بر میزدانی کن
 ز بختی سحر میچشم در کوه سواد دل
 بکنعان هوس کردی غار دشت مطب
 خیال جلوه زار نیستی هم عالمی دارد
 دل از کسوفی طاقت زبست اهل کوه ترا
 زمین بزم باغشون الی بی دریا بیدل

که باین دشت دهر که جزین سلطان ما
 فیضها بچرخش افشاک بهار بخودی
 در قناتیت برک شمع بر جا میرود
 غم کردین علاج اضطرر پائل نکرد
 از شهادت افتخاران بساط خراج
 منزل مقصود کام اول قدم افتد کعبه
 در جام زین چمن چون گل نصیب باشد

سر می که با غم شوی شکل کلاه آنجا
 جوشتم سر بر اشک عیال که کلاه آنجا
 تبسم تا کجا با چیده باشد کلاه آنجا
 هم می آید چشم تو ز کان نگاه آنجا
 سری در حجب خود از دیدم زدم به کلاه آنجا
 شرور در سنگ در دشت نیلای آنجا
 شکست رنگ کسوفی غار در کلاه آنجا
 هم کربش شوی در دشت نیلای آنجا
 کرد خود فرو رفتن کند ایجاد آنجا
 ز حجب ما سری باید کشیدن کلاه آنجا
 بسنگ آید کمر این جام کرده غمزه آنجا
 در آن داری که منزلت می افتد به آنجا

باشد از که آنقدر بخواند ماند
 بارش زدی چند بدوش کاغذ
 ای ریش ز جنت برص کوتاه نظر
 کاهی تو ریش کاویده در دم خور
 چون شاد ریش روستانی تا چند
 چهار و یک کشتی بر سر جوارق دیگر
 بیدلتا کی ز چهل پروین لشکر
 کشتی طوفان با سیر سنگین لشکر
 سده عمر هنوز بر نشان جوسی
 رقص بسمل که دیده با این لشکر
 افسوس جهان باده از در امروز
 بنیاد کرم مایه ندارد امروز
 از بس همه را بسنی بخت ساز است
 دیوار کسی سازه ندارد امروز
 هر چند غبار آفتابم جو نفس
 سرایه این جهان به آنم جو نفس
 بارید و نیک ز جنت و کشتی است
 مزبور سنگش جهانم جو نفس
 یارب بزرگ است جز ز تو قاض
 و آنکه ناید تو باشی جز تو قاض
 در میان متعلق و هم ممکن
 ای قوت غبار و جنت از دل میرقص
 یعنی چون شمع اگر ز خود بجری
 عمر هست که در عرصه بزرگ غرض
 گزیند کلام کفر و دین در پاسه
 افراط حقیقت است احیاناً تو بیط
 کفایت حاصل ترا مانع نیست
 اندو که در شوق افتاده اند
 اکنون حکایت اگر شالم بیدل
 بیدل ما را کدام روز است چو راه
 از و چه ممکن علما با خبرند
 درویش غرضی بیت الله الله
 نه کتاب بجزن الملک الوهاب است
 در ملک حرم و مقهور و بی اختیار
 در سر راه دیوان نشانی

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 1090/35 59 Diván Lutfi RIII 8

شاعر: سلمان ساوجی (احتمالاً)

عنوان کتاب: نامشخص؛ رساله‌ی اوزان شعر و دیوان قصاید.

تاریخ کتابت: سال ندارد، فی سلخ شهر محرم الحرام

نام کاتب: نامشخص

موضوع: قصاید

تعداد صفحات: ۲۴۸، ۱۱۰ صفحه اشعار فارسی، بقیه اشعار ترکی.

توضیح: کتاب سه بخش دارد، ۲۱ صفحه‌ی اول در اوزان شعر است و در آن نام سلمان ساوجی آمده است. صفحات ۲۲ تا ۳۲ سفید است. بخش دوم از صفحه ۳۲ تا ۱۱۱ غزلیات و سپس در شانزده صفحه‌ی آخر، اشعار پنج‌بیتی، ترجیع‌بند، آمده است؛ و بخش آخر دیوان لطفی و اشعار ترکی است.

اندازه صفحات: ۱۵×۲۶/۵ سانتیمتر

نوع خط: نسخ شکسته

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس ببقیاس مر خدایرا که بوحدانیتش همه کاینات شاهد حالند...

آغاز غزلیات:

صبح که صهبای نور شد ز افق موج زن

ساغر زرین گرفت ساقی سیمین بدن

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی اول اشعار.

سَمْعُ الدِّينِ رَسْمٌ

حمد و سپاس به تقیاس رضا و آنکه بویافتن شیخ کانیات
 شایع باشد فی کل شیء له انه قل علی انه واحد و تکیات و صلوات و روح
 طبعه سید که وجودش در تکیات و کانیات و شایعیت و تقیاس
 موجود است بر اینست که ای باب که با یکی دین پسین اند و با احد
 ای تقیاس است علی رضای و بیک اصل بکار و در اخفات و
 انجلیک و تکیات و صلوات و تکیات و در زمان و
 و تکیات بکار و در زمان معلوم کرد و در زمان مندرج است و تکیات
 چند مندرج که یکی دولت حضرت رفع و سنده منیع منعم عظم
 مسلط اند و در العالم غیاث الدین محمد خدای تعالی و صلوات و تکیات و
 جامع کتب و سکن سلیمان ای باب که در کتب و تقیاس و تکیات

سازد زین گرفت بکشتن	سازد زین گرفت بکشتن
بلو در دستش کرد شاه کلین	بلو در دستش کرد شاه کلین
در بیل می‌شیرام ریخت حقین	در بیل می‌شیرام ریخت حقین
مد بسلیما روز شد کفرین	مد بسلیما روز شد کفرین
خبر روی نمود بد چشمت	خبر روی نمود بد چشمت
عامه مخفی یافت طور علی	عامه مخفی یافت طور علی
جاد زر بر تل فروش طردین	جاد زر بر تل فروش طردین
جدول زین کشید روی نیر	جدول زین کشید روی نیر
شبه تقید کرد در شباه	شبه تقید کرد در شباه
بود چشم جهان بودن جان در	بود چشم جهان بودن جان در
مستقل و خوش بعد از یک چهار	مستقل و خوش بعد از یک چهار
آن بفرج می‌جوان عین محض	آن بفرج می‌جوان عین محض
بر سر اعدا فکند ما کنی کوکین	بر سر اعدا فکند ما کنی کوکین
سازد زین گرفت بکشتن	سازد زین گرفت بکشتن
بلو در دستش کرد شاه کلین	بلو در دستش کرد شاه کلین
در بیل می‌شیرام ریخت حقین	در بیل می‌شیرام ریخت حقین
مد بسلیما روز شد کفرین	مد بسلیما روز شد کفرین
خبر روی نمود بد چشمت	خبر روی نمود بد چشمت
عامه مخفی یافت طور علی	عامه مخفی یافت طور علی
جاد زر بر تل فروش طردین	جاد زر بر تل فروش طردین
جدول زین کشید روی نیر	جدول زین کشید روی نیر
شبه تقید کرد در شباه	شبه تقید کرد در شباه
بود چشم جهان بودن جان در	بود چشم جهان بودن جان در
مستقل و خوش بعد از یک چهار	مستقل و خوش بعد از یک چهار
آن بفرج می‌جوان عین محض	آن بفرج می‌جوان عین محض
بر سر اعدا فکند ما کنی کوکین	بر سر اعدا فکند ما کنی کوکین

P.Č. 1096/35 65 Kullijáti Sábit RIII 11

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: جامی

عنوان کتاب: منظومه‌ی یوسف و زلیخا

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تاریخ کتابت: نامشخص

نام کاتب: نامشخص

تعداد صفحات: ۲۲۶

اندازه صفحات: ۱۷×۲۴/۵

نوع خط: نسخ

توضیح: کناره‌ی صفحات اول و آخر کتاب در حال فرسوده شدن است؛ با این حال، نوشته‌ها خوب مانده است. نه صفحه‌ی اول کتاب اشعار عربی، چهار صفحه‌ی بعد اشعار فارسی و غزلیات است. در عنوان ثبت کتابخانه به اشتباه «کلیات ثابت» نوشته شده است. یک قطعه شعر فارسی در صفحه دهم:

دلم ز هجر خراسان از آن هراسانست

که بحر فقر و محیط فنا خراسانست

نخست گوهر آن بحر شاه بسطامیست

که قطب زنده‌دلان و خداشناسانست

بکش لباس دعونت که شیخ خرقانی

ستاده خرقه بکف بهر بی‌لباسانست

بگو سپاس مهین عارفی که در مهنه است

که عشق در پی آزار ناسپاسانست

بگوش جان بشنو نکته‌های پیر هرات

که مشکلات طریق از بیانش آسانست

چو کاس خویش شکستی بیا که ساقی جام

نهاد و باده بدست شکسته کاسانست

گدایی درشان پیشه کرده‌ای جامی
بجز تو کیست گدایی که پادشاسانست

آغاز: منظومه یوسف و زلیخا
الهی غنچه امید بگشای
گلی از روضه جاوید بنمای
تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر منظومه.

الله غفوراً غفيراً
 بختی از روضه چادر بجای
 بختی از لبه غم باغم
 در آن که عطر روز کن دماغ
 در آن تخت سری بی حواس
 خیمه دایم از پیشه کردان
 در تقسیم فردا به روزیم بخش
 عده دهی ز کوه کج رنج
 می دانی نادر طبع مرغان
 بشوم خادم ز شکر زبان کن
 حتی ز خود در آغای خانه ست
 برین خیمه شیرین خانه
 هر بستان به هوا خورده و رفته
 بنیم خیمه زین زخم و خای
 بیابادی ز خاک شرمساری
 شام از نام جان که زانو زدن بهر زانو باری
 بیات گمان به رفیق
 بیام آنکه بماند حزن جانانست
 زبان در کام کام از نام ای یافت
 خرد ز خود و دهرم دردی
 بی آن که زبان سازد کرد

نه ز به غم شکسته دلم دریا ده ز سوختن به کلم دریا
 دلخشان از لب به لبه درین به لبه لبه به لبه درین
 بگرین قلم سینه در کینه ایضا بسازد منزل قلم بر نفس
 بی دریا که آرد بخت خبر او کم بخت راه طریقت
 همیشه عظمی دور عالم نه طبع لیساست که در قلم
 چنانچه دل به خطای عاقبت بد که نایب از عظمی غمناکی باد
 خنده از عالم را درم نمی آید باز زنی به لبه کجاست جهان
 به کاری که برونه غم خویش بنویس در اینم به غم نه غم
 از به صحرای اود فغان بی که در به سوز سوز نامش که

زبانه را که تنهای خفا می ده
 که خفت از هر که هر خفا می ده

P.Č. 1190/35 RIII 1 عنوان ندارد

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: حکیم ابوالقاسم فردوسی

عنوان کتاب: شاهنامه، (در صفحه‌ی داخل جلد نوشته شده «رستم‌نامه»)

تاریخ کتابت: نامشخص

کاتب: نامشخص

موضوع: ادبیات حماسی

تعداد صفحات: ۷۶۶

اندازه صفحات: ۲۵×۵/۱۲۶ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: اوراق کتاب در حال فرسوده شدن است.

در چهار صفحه مانده به آخر کتاب در میان صفحه، تصویر نقاشی سیاه دو اسب‌سوار در حال جنگیدن ترسیم شده است. دو اسب‌سوار یکی رستم و دیگری اسفندیار است، چون یکی تاج بر سر دارد. رستم ریش دو شاخه دارد و در حال کشیدن تیر از کمان است. تیر و کمان اسفندیار به زمین افتاده است.

آغاز:

کزین برتر اندیشه برنگذرد

بنام خداوند جان و خرد

پایان:

بخواهم کمان و نباید سنان

میبینید جز یال اسب و عنان

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

[illegible]

P.Č. 1194/35 RIII 18 عنوان ندارد

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: محمد مؤمن حسینی طیب

عنوان کتاب: تحفة المؤمنین

تاریخ: نامشخص، در صفحه دوم... شاهنشاه پادشاهان خاقان ابن خاقان بن سلطان خوانین جهان سکندر هشت صاحب قران... (نام ندارد).

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: طب سنتی و تجویز داروهای سنتی.

تعداد صفحات: ۸۰۰

توضیح: کتاب فرسوده است و کناره‌های صفحات در حال از بین رفتن است؛ چند صفحه‌ی آخر از بین رفته است.

اندازه صفحات: ۲۰/۵×۲۹/۵

نوع خط: نستعلیق

آغاز: هذا کتاب تحفة بسم الله الرحمن الرحيم المؤمنین و به نستعین

سبحانک اللهم یا قدوس و یا طیب النفوس...

تصویر: صفحه‌ی اول و یک صفحه‌ی دیگر.

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

P.Č. 2810/57 RIII 23 بدون عنوان

مشخصات ثبت در کتابخانه:

نویسنده: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: احکام و آداب دینی بر مذهب اهل سنت و جماعت؛ روایات از پیامبر و اولیا.

توضیح: صفحات کتاب فرسوده شده و کناره‌ها و بخشی از صفحات اول و نیز کناره‌های صفحات آخر از بین رفته است. به علاوه، صفحات اول و صفحات آخر کتاب از بین رفته و موجود نیست.

تعداد صفحات: ۲۷۴

اندازه صفحات: ۱۶/۵×۵

نوع خط: نسخ و نستعلیق

آغاز: صفحه‌ی موجود:

پیغمبران و هر که نماز خفتن ترک کند بقصد بیزار شود از وی پیغمبران و حق سبحانه و ...

تصویر: صفحه‌ی اول.

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه:

P.Č. 1192/35 Per 61 Kompletni divan básnika Sajjád vehbi RIII 12

شاعر: نامشخص

عنوان کتاب: نامشخص

تاریخ: نامشخص

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: اخبار پیامبر و ائمه علیهم السلام و توصیه به انجام طاعات، به صورت شعر.

توضیح: دیوان شاعری است که در مشخصات ثبت به عنوان دیوان باسنیکا صیّاد

وهبی معرفی شده است.

تعداد صفحات: ۲۰۸

اندازه صفحات: ۲۰/۵×۲۹/۵

نوع خط: نسخ

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

این درج پر از جواهر تحقیقات باشد نام مبارکش تاییدات

پایان، در صفحه آخر موجود:

مردی ز خدا رزق حلالی طلبید

در ساحة خانه گاو غیری را دید

فی الحال گرفت و کشت و صاحب چو شنید

بر شیر خدا نزاع آن هر دو رسید

چون صاحب گاو حکم مولا نشنید

فرمود تویی غلام این مرد سعید

اموال تو چون تو باشد از متروکات

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

مشخصات ثبت در کتابخانه: P.Č . 2538/53 Golestan - e Sa'di RIII 21

نویسنده/شاعر: مصلح‌الدین سعدی شیرازی

عنوان کتاب: گلستان

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: نثر ادبی، حکایات و نصایح

تعداد صفحات: ۳۱۰

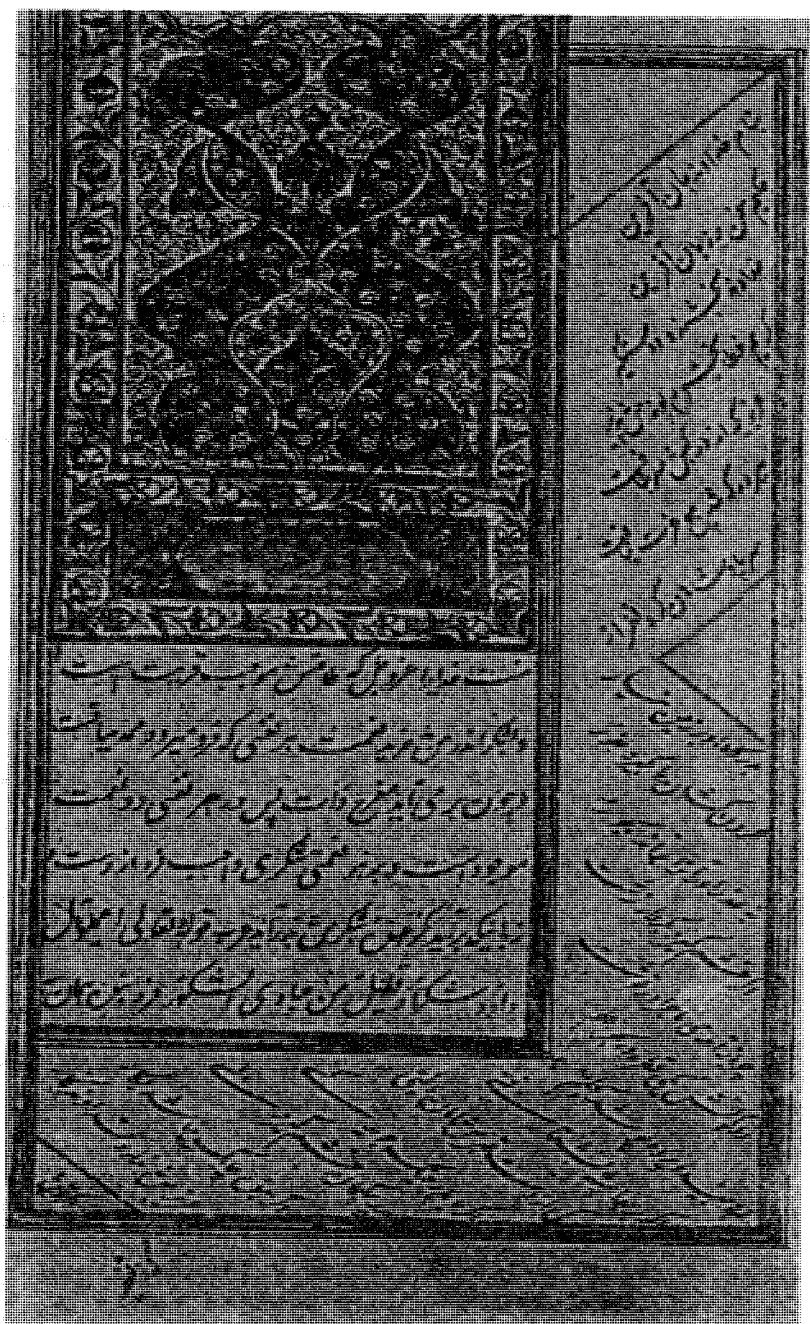
اندازه صفحات: ۱۸×۲۹/۵ سانتیمتر

نوع خط: نستعلیق

توضیح: کتاب نسبتاً خوب مانده است. در حاشیه‌ی صفحات و نیز در ده صفحه‌ی

آخر کتاب، کتاب بوستان سعدی نوشته شده است.

تصویر: صفحه‌ی اول.



P.Č . 1355/56 Per Háfiz RI 48

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

تاریخ کتابت: غره رجب سنة ست و ثلثین و مایه [به همین صورت نوشته شده است]

نام کاتب: نورالحسینی

موضوع: ادبیات عرفانی منظوم، غزلیات، مثنویات، رباعیات

تعداد صفحات: ۳۰۰

اندازه صفحات: ۱۷×۱۱

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات کتاب در حال فرسوده شدن است؛ با این حال نوشته‌ها باقی است.

آغاز:

الا یا ایها السّاقی ادر کاساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

پایان غزلیات:

غمی نباشد از آن رو که حیّ جاویدان دری نه بندد تا دیگریم نگشاید

پایان رباعیات:

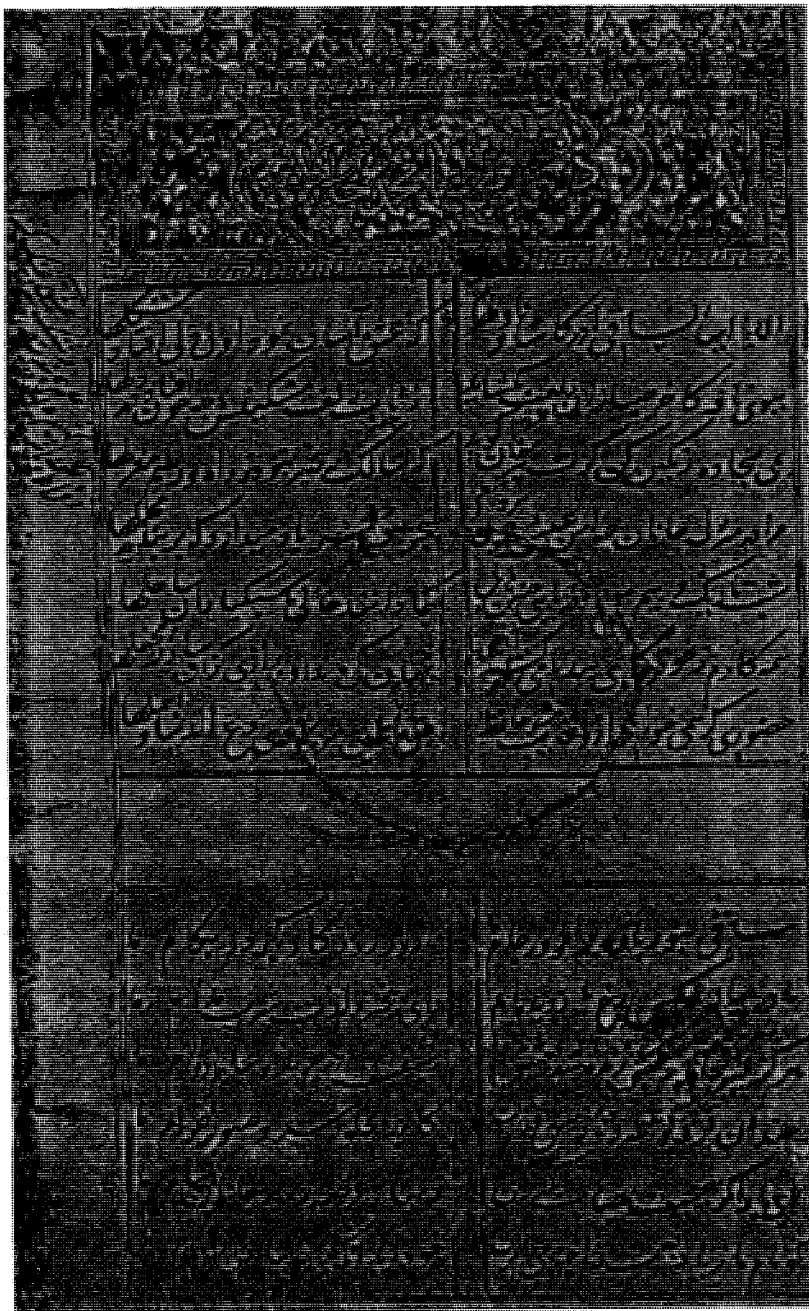
مردی ز کُننده در خیبر پرس اسرار کرم ز خواجه قنبر پرس

گر تشنه فیض رحمتی ای حافظ سرچشمه آن ز خواجه کوثر پرس

تم الكتاب بعون الملك الوهاب على أنامل الفقير الى الله نور الحسينى فى غرة رجب

سنة ست و ثلثین و مامایه [به همین صورت نوشته شده است].

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.



مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 12 Divan-i Háfiz [اصلاح شد] P.Č. 1103/35 Pers

شاعر: حافظ

عنوان کتاب: دیوان حافظ

تاریخ کتابت: هفتم شهر محرم سنه ۱۱۹ تم تم تم [به همین صورت نوشته شده است]

نام کاتب: محمدجواد

موضوع: ادبیات تغزلی عرفانی

تعداد صفحات: ۳۱۲

اندازه صفحات: ۱۹×۱۰/۵ جیبی

نوع خط: نستعلیق

توضیح: در ۳۲ صفحه‌ی آخر کتاب اشعار دیگری نوشته شده است. شبیه کتاب قبلی دیوان حافظ است که نوشته نورالحسینی است. همه‌ی صفحات کتاب فرسوده شده و در حال از بین رفتن است. بخشی از نوشته‌های بسیاری از صفحات و نیز صفحه‌ی اول از بین رفته است. بیشتر صفحات کتاب ترمیم شده است. در سه صفحه‌ی کتاب، تصاویر و نقاشی‌های رنگین به رنگهای سرخ، نارنجی، سبز، آبی، بنفش موجود است. یک تصویر از «بارگاه حضرت سلیمان که او بر تخت نشسته»، یک تصویر از «بهرام سوار بر اسب در شکارگاه» و یک تصویر «بزم جمشید در میان صحرا» است.

آغاز: ایانا [به همین صورت نوشته شده] ایها السّاقی ادر کاساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشک‌لها

آغاز کتاب در ۳۲ صفحه آخر:

تجلی جلوه از وصف رخت کردم رقمها را

تراشیدم به تیغ کوه تور امشب قلمها را

پایان:

ما را نگذارد که درآییم ربائی

سرپنجه دشمن افکن ای شیر خدائی

قسام بهشت و دوزخ از عقده کسائی

تا کی رود این کرک ربایی بنمائی

آغاز کتاب ۳۲ صفحه‌ی آخر:

تجلی جلوه از وصف رخت کردم رقمها را

تراشیدم به تیغ کوه تور امشب قلمها را

پایان کتاب ۳۲ صفحه‌ی آخر:

قرۃ‌العین مصطفی تو

عالم السر والخفائی تو

عاجزم رحم کن بعاجزیم

مظهر قدرت خدائی تو

مشخصات ثبت در کتابخانه: RI 24 [اصلاح شد] P.Č . 1184/35 Pers

نویسنده: عبدالغنی حافظ شیروانی (در صفحه‌ی اول)

عنوان کتاب: انوار الرّمّل (عنوان در داخل کتاب صفحه ۲ نوشته شده است. در بالای صفحه اول به طور جداگانه نوشته شده «کتاب زبدة الرّمّل» ولی این عنوان اصلی کتاب نیست).

موضوع: علم رمل

تعداد صفحات: ۲۱۶

توضیح: همه‌ی صفحات کتاب کاملاً فرسوده است و بیشتر صفحات پاره شده است. کناره‌های همه‌ی صفحات خورده شده و از بین رفته، با این حال نوشته‌ها باقی است.

اندازه صفحات: ۱۵/۵×۲۰

نوع خط: نسخ و نستعلیق پست

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم

شکر سپاس بیحد و قیاس آفریدگار را جل جلاله سزااست که نقطه ضعیف را مبدأ

چندین شکل مختلف گردانید...

پایان: صفحات پایان کتاب پاره شده و ظاهراً از بین رفته است. در دو صفحه آخر

موجود یک جدول اعداد آورده شده و ظاهراً یک و یا دو واژه‌ی اول برخی سوره‌های

کوتاه قرآن نیز در آن درج شده است.

تصویر: صفحات اول، دوم و سوم.

[illegible]

مشخصات ثبت در کتابخانه: RIV 2 Pers Nizámí, Khamsah P.Č. 2808/57

شاعر: نظامی گنجوی

عنوان کتاب: خمسه نظامی: مخزن الاسرار، اسکندرنامه، خسرو و شیرین؛ پنج گنج

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تعداد صفحات: ۶۳۴ در چهار ستون

اندازه صفحات: ۱۸×۲۲/۵

نوع خط: نستعلیق

توضیح: صفحات اول و برخی صفحات میانی ترمیم شده، اما نوشته ها به خوبی

باقی است.

آغاز:

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خدائی است برو ختم کن

هست کلید در گنج حکیم

فاتحه فکرت و ختم سخن

پایان:

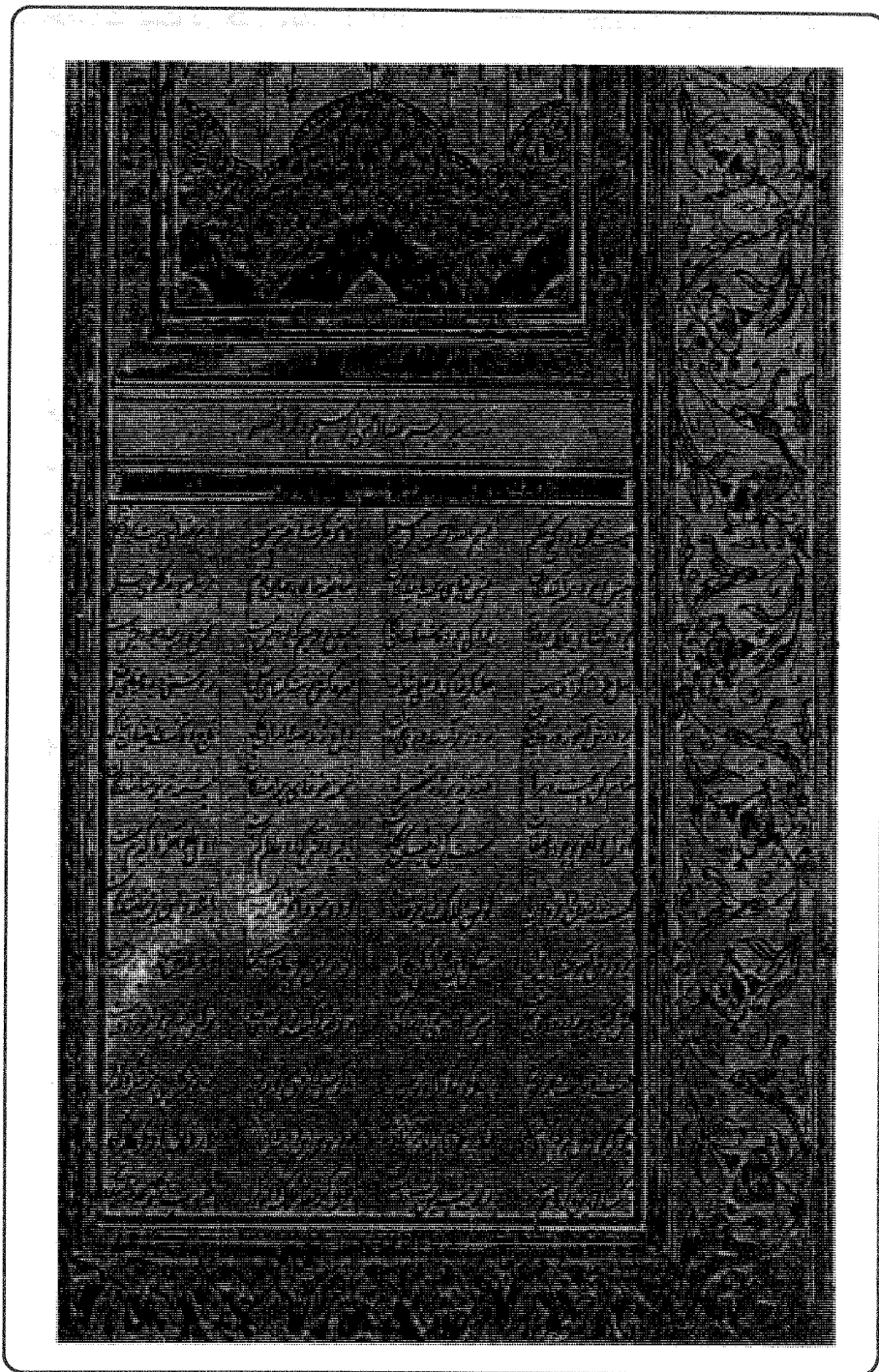
که گوید باد رحمت بر نظامی

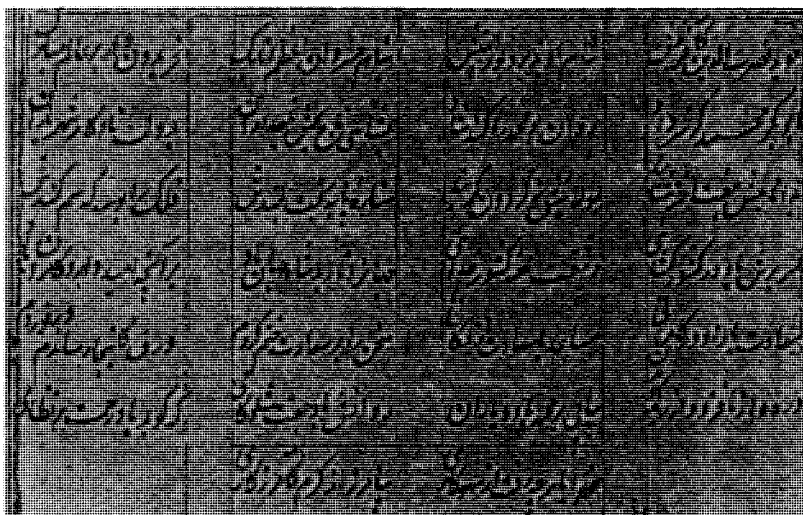
بیامرز از گرم کامرزکاری

روانش باد جفت شادکامی

خدایا هر چه رفت از سهوکاری

تصویر: صفحات اوّل و آخر.





P.Č. 1193/35 RIII 14

مشخصات ثبت در کتابخانه:

شاعر: نظامی

عنوان کتاب: خمسه نظامی: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون؛ پنج گنج

تاریخ کتابت: نامشخص

موضوع: ادبیات غنایی منظوم

تعداد صفحات: ۵۳۶ در چهارستون

توضیح: کناره‌ی صفحات اول و آخر کتاب ترمیم شده، اما نوشته‌ها به خوبی باقی مانده است.

اندازه صفحات: ۳۷/۵×۵۲

نوع خط: نستعلیق

آغاز:

نظامیراره تحقیق بنمای

زبانی کافرینت را سراید

خداوندا در توفیق بگشای

دلی ده کو یقینت را بشاید

پایان:

چنین بودشان گردش ماه و سال

که تعلیم دیو است از آنگونه راز

گرفتندی آن نقش را در خیال

چو دانست فرمان ده چاره‌ساز

تصویر: صفحه‌ی اول و صفحه‌ی آخر.

